هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی

اخبار آزاد مناطق

شماره ۲۳۱ - دوشنبه
۵ تیر ماه ۱۴۰۲
سال پنجم
۱۵۰۰۰ تومان

در گفت‌وگو با معاونین سازمان‌های مناطق آزاد و کارشناسان حوزه گردشگری عنوان شد:

گردشگری؛ راهبردی موثر جهت توسعه همه‌جانبه اجتماعی و اقتصـــادی در مناطـــق آزاد

صفحه ٤ و ٥ را بخوانید

در گفت‌وگوی اختصاصی با نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی مطرح شد:

هرج و مرج در منطقه آزاد انـزلی تبدیل به یک بحران شده است

صفحه ۷ را بخوانید

سرمقاله

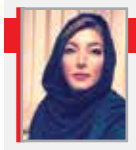

مرضیه حسینی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول

جایگاه مناطق آزاد در دیپلماسی اقتصادی ایران

توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان، مستلزم به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های اقتصادی کشور در قالب دیپلماسی اقتصادی پویا و مستمر می‌باشد.

در میان ظرفیت‌های موجود اقتصادی که می‌توانند در دیپلماسی اقتصادی ایران، به عنوان یکی از بازیگران موثر عمل نمایند؛ مناطق آزاد تجاری–صنعتی می‌باشند. ظرفیت‌هایی که متاسفانه تاکنون موردتوجه جدی نبوده و درواقع این مناطق بیشتر از این‌که برونگرا باشند، درونگرا عمل کرده‌اند؛ این درحالی است که مناطق آزاد می‌توانند قابلیت‌ها و فرصت‌های متعدد سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف صنعتی، گردشگری، کشاورزی و خدماتی را فراهم نمایند.

طبق قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، مزیت‌هایی جهت سرمایه‌گذاری در این مناطق نظیر معافیت مالیاتی ۲۰ساله برای هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه، معافیت پرداخت از مالیات بر ارزش افزوده برای فعالین اقتصادی، آزادی کامل ورود و خروج سرمایه و سود فعالیت‌های اقتصادی در منطقه، امکان مالکیت صددرصدی خارجی در شرکت‌های تاسیسی وجود داشت، که درحال حاضر متاسفانه، اکثریت این مزیت‌های قانونی مثل آب بخار شده‌اند؛ اما همچنان مناطق آزاد می‌توانند با تکیه بر استعدادهای خدادادی و موقعیت‌های جغرافیایی خاص؛ بهترین و مناسب‌ترین امکان جهت توسعه روابط اقتصادی دو و چندجانبه بین‌المللی کشور باشند.

در ارتباط با چگونگی تحقق این امر و ورود مناطق آزاد به عرصه دیپلماسی اقتصادی کشور، موضوعی که در وهله اول ضروری است، توجه جدی دستگاه سیاستگذار و مجری دیپلماسی کشور به اهمیت اقتصاد در ارتقای قدرت ملی است. اگر اقتصاد و توسعه روابط اقتصادی از کلام، به برنامه اصولی تبدیل شود و توسعه و متنوع‌سازی روابط اقتصادی با حداقل فشار تحریمی، جزو اهداف و اولویت‌های ملی باشد؛ آن‌وقت می‌توان امیدوار بود که به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های ایران در دیپلماسی اقتصادی، تحت یک دستورکار دقیق و محاسبه شده انجام خواهد گرفت.

خوشبختانه امروز شاهد وقوع تحولات مثبت در روابط منطقه‌ای ایران به‌ویژه آشتی دیپلماتیک با عربستان و دولت‌های اقماری آن هستیم که گام بسیار مطلوبی در راستای تسهیل و تسریع ارتباطات با کشورهای همسایه و بهبود وضعیت نابسامان اقتصادی داخلی، افزایش جذب ســرمایه‌گذاری خارجی، توسعه صادرات و تقویت بخش مولد اقتصاد است.

در این چارچوب و فضای جدید ایجاد شده، مناطق آزاد می‌توانند به‌مثابه بستری آماده و پرظرفیت جهت ایجاد روابط اقتصادی برد–برد در نظر گرفته شوند. فلذا می‌بایست بخش‌های اجرایی و دست‌اندرکار پیشبرد دیپلماسی اقتصادی همچون معاونت اقتصادی وزارت امورخارجه، کمیسیون‌های اقتصادی مشترک، سازمان توسعه تجارت، اتاق‌های بازرگانی مشترک و... به ظرفیت‌های مناطق آزاد بیش‌ازپیش توجه داشته باشند و حرف‌ها و وعده‌های زیبا، به برنامه‌های اجرایی اثرگذار مبدل شوند. پروژه‌هایی نظیر منطقه آزاد مشترک، سرمایه‌گذاری‌های مشترک منطقه‌ای، منطقه ویژه اقتصادی مشترک و... در طول سال‌های گذشته از طرف مدیران ارشد مناطق آزاد به کرات طرح گردیده است؛ اما با کمال تاسف این ایده‌ها، در بهترین حالت به یک تفاهم‌نامه حداقلی منتهی شده است که به دلیل ضعف سیستم پیگیری در سازمان‌های مناطق آزاد و گرفتاری آنها در روزمرگی‌های رایج، همین تفاهم‌نامه‌های حداقلی نیز، اکنون خاصیتی بیشتر از یک کاغذ ندارند. به طور مثال چندین سال پیش تفاهم‌نامه ایجاد منطقه آزاد مشترک بین ارس و مغری امضاء شده است. اجرای عملیاتی این تفاهم که تاکنون بیشتر شبیه به یک آمال بوده، بارها هم تکرار گردیده؛ مسئولین دو منطقه تغییر پیدا کرده‌اند؛ شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی عوض شده است، اما اقدامی درخصوص اجرایی کردن همان تفاهم حداقلی نیز انجام نگرفته است. طرف ارمنستانی این پروژه را در آب نمک خوابانده و طرف ایرانی آن را به‌عنوان یک ویترین جهت مانور رسانه‌ای مورد استفاده قرار می‌دهد.

خلاصه کلام آن‌که؛ درحال حاضر، نظام جمهوری اسلامی ایران مترصد باز کردن برخی گره‌های کور بین‌المللی کشور می‌باشد؛ این امر فی‌نفسه یک اقدام بسیار ارزشمند است؛ اما تجربه ۲ساله اجرای برجام(۹۶–۹۵) نشان می‌دهد اگر ما نتوانیم از فرصتی که سیاست، برای اقتصاد فراهم می‌نماید، بهره‌برداری نموده و برنامه‌ریزی درستی در جهت فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی کشور داشته باشیم، فرصت‌ها همچون گذشته از دست خواهد رفت.

هرچند «گراهام فولر» ایران را از نظرگاه ژئوپلیتیک، «قبله عالم» معرفی می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد برخلاف تصور ما، امروز کسی در انتظار قبله عالم نیست. برای قبله عالم بودن باید روش رفتاری و سیاستگذاری تاریخی خود را در جهت همزیستی و اشتراک منافع با دیگران خصوصا همسایگان اصلاح کنیم. امروز به‌واسطه پیشرفت تکنولوژی و افزایش ابتکارات در حوزه سیاستگذاری و اجرا در ژئوپلیتیک عالم؛ قبله‌ها درحال تغییر سریع هستند. مناطق آزاد می‌توانند ستارگان درخشان قبله‌نمای ایران باشند؛ اما باید آنها را دید.

در نشست روسای پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های کیش با رحیم سرهنگی مطرح شد:

تحقق ماموریت‌های اقتصاد مقاومتی با بهره‌گیری از توانمندی دانشگاه در کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با تاکید بر قرار گرفتن دانشگاه‌های جزیره در چارچوب اصلی خود، نقش آنها در ارتقاء و توسعه فناوری، تکنولوژی و گردشگری را مهم عنوان کرد.
رحیم سرهنگی در نشست همفکری که با حضور ائمه جمعه کیش و برخی از روسای پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های کیش به میزبانی پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد؛ با اشاره به نقش مهم دانشگاه‌ها در ارتقاء و توسعه فناوری، تکنولوژی و گردشگری در جزیره کیش گفت: با بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌های فعال در کیش می‌توان نسبت به پیشرفت هرچه بیشتر شهرک‌های صنعتی و همچنین توسعه و پیشرفت صنعت توریسم سلامت و بهبود وضعیت بیمارستان، بهداشت و ساکنان منطقه، اقدامات مهمی انجام داد.
وی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری افزود: در اقتصاد مقاومتی، دانش، تکنولوژی و انتقال فناوری‌ها برای مناطق آزاد در نظر گرفته شده است و دانشگاه‌ها در این حوزه می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند.

سرهنگی اظهار داشت: با توجه به پیشی گرفتن کیش در انتقال تکنولوژی و فناوری‌ها از سایر مناطق آزاد؛ لازم است تا دانشگاه‌های این منطقه در چارچوب اصلی خود قرار گیرند.
رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش به حمایت سازمان متبوع خود از فعالیت پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های کیش اشاره و خاطرنشان کرد: حضور پزشکان و اساتید مجرب توسط دانشگاه‌ها در جزیره می‌توانند نقش مهمی در توسعه صنعت، اقتصاد و گردشگری کیش داشته باشند.
همچنین، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بی‌نیاز در این نشست با تاکید بر هماهنگی و همکاری دانشگاه‌ها با سازمان منطقه آزاد کیش گفت: با ارائه طرح جامع مراکز علمی و دانشگاهی آموزش عالی کیش، تا پایان سال۱۴۰۲ تصمیمات لازم برای تبدیل شدن جزیره به یک شهر دانشگاهی و تقویت دانشگاه‌ها برای حضور برندهای مهم حوزه‌های مختلف گرفته خواهد شد.
امام جمعه کیش اظهار کرد: با برگزاری جلسات میان روسای دانشگاه‌ها و سازمان منطقه آزاد کیش می‌توان نسبت به همایش کاربردی یک‌روزه یا نصف‌روزه اقدام کرد.
گفتنی است، در این نشست علی سالک‌غفاری رئیس پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه صنعتی شریف به ارائه گزارشی از فعالیت‌های این دانشگاه پرداخت؛ همچنین مواردی نیز از سوی سایر روسای دانشگاه‌های حاضر در جلسه عنوان و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در بازدید مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش از زیرساخت‌های بندر چارک مطرح شد:

رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال با اجرای کامل طرح جامع توسعه بندر چارک

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش به همراه جمعی از مسئولان این سازمان، از زیرساخت‌های ایجاد شده در بندر چارک که به عنوان پشتیبانی مبادی ورودی به کیش محسوب می‌شود، بازدید کردند.
رحیم سرهنگی در سفر به بندر چارک ضمن بازدید از پایانه مسافری و نحوه صدور بلیت الکترونیکی شناورهای مسافری، در جریان روند فعالیت و ارائه خدمات شایسته به مسافران و گردشگران قرار گرفت.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش:
تاکید بر اجرای طرح جامع توسعه بندر چارک

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش گفت: رونق اقتصادی بندر چارک، ماموریت سازمان منطقه آزاد کیش در راستای وظایف قانونی محوله و کمک به رونق و آبادانی این منطقه است.
رحیم سرهنگی در جلسه هم‌اندیشی تعیین مرز مجاز به استناد قانون گمرک در جهت صادرات و واردات که با حضور احمد جباری نماینده مردم غرب هرمزگان در مجلس شورای اسلامی و مسئولان استانی و محلی برگزار شد، گفت: یکی از ماموریت‌های سازمان منطقه آزاد کیش علاوه‌بر توسعه کیش و جزایر اقماری؛ کمک به توسعه و آبادانی مناطق همجوار و ارائه خدمات شایسته است.
وی با بیان این‌که توسعه بندر چارک به معنی توسعه و آبادانی کیش است، تصریح کرد: دغدغه سازمان منطقه آزاد کیش، توسعه همزمان جزیره کیش و بندر چارک به عنوان مبدا ورود مسافر و نقش پشتیبان این بندر برای کیش است.
مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با تاکید بر اجرای طرح جامع بندر چارک، از آن به عنوان سرمایه‌گذاری سازمان در این منطقه یاد کرد و افزود: با اجرای کامل طرح جامع چارک، شاهد رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال در این منطقه خواهیم بود.
سرهنگی با اشاره به مشکلات گمرکی در بندر چارک، عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها را عامل مهم وقفه در امور گمرکی این بندر دانست و اظهار داشت: سازمان منطقه آزاد کیش در چارچوب قوانین و مقررات، از هیچ کوششی درخصوص رفع این مشکل دریغ نخواهد کرد.
وی ادامه داد: ملت غیور ایران ثابت کردند که در برابر مشکلات سرخم نیاورده و همواره رهرو نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند؛ از این‌رو جا دارد با وحدت رویه، مشکلات آنان رفع شود.
رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با قدردانی از تمام مسئولان در پیگیری مشکلات گمرکی ملوانان، بر پاسخگویی مسئولان به این قشر زحمتکش تاکید و خاطرنشان کرد: تقسیم وظایف در دستگاه‌های مختلف نباید منجر به وقفه در رسیدگی به امور مردم شود.

نماینده مردم غرب استان هرمزگان در مجلس:
لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم و پاسخگویی به مطالبات مردمی

همچنین، نماینده مردم غرب استان هرمزگان در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر تسریع پاسخگویی به مطالبات مردمی، ایجاد زیرساخت‌های رفاهی و عمرانی را از وظایف مهم مسئولان برشمرد.
احمد جباری نیز در این نشست گفت: تسریع در رسیدگی به امورات مردم که یکی از تکالیف قانونی و اخلاقی تمام مسئولان است و مقام معظم رهبری نیز بارهای بر این امر مهم تاکید داشتند، باید مورد اهتمام ویژه قرار گیرد.
وی اظهار داشت: باید به تمام مطالبات مردمی پاسخ دهیم و هیچ‌کسی حق شانه خالی کردن ندارد و تمام مسئولان باید پاسخگوی سوالات و مطالبات مردمی باشند و محقق شدن این امر مهم، مستلزم هم‌افزایی و انسجام مثال‌زدنی دستگاه‌های اجرایی است.
این نماینده مجلس با اشاره به موقعیت استراتژیک، نقش پشتیبان ورودی مسیر دریایی بندر چارک به جزیره کیش را مهم و تاثیرگذار در حوزه‌های اقتصادی و گردشگری عنوان کرد و افزود: بندر چارک نقش دومین دروازه پررونق مسیر حمل‌ونقل دریایی در حوزه‌های کالا و مسافری به جزیره کیش را ایفا می‌کند.
به گفته جباری؛ راه‌اندازی گمرک این بندر که از قدیمی‌ترین بنادر در شهرستان غرب استان هرمزگان است، با پیگیری‌های لازم و به همت مسئولان کشوری در راستای چگونگی کیفیت‌بخشی در حوزه زیرساخت‌های اقتصاد دریامحور و صادرات و واردات کالا؛ می‌توانیم گام‌های موثری در این منطقه برداریم.
وی با بیان این‌که در تمام دنیا، پررونق‌ترین و بهترین مناطق، بخش ساحلی است، بیان داشت: علی‌رغم این که از قوانین بسیار خوبی در راستای توسعه و صادرات و مناطق ساحلی برخورداریم، اما متاسفانه در کشور ما بی‌رونق‌ترین و نازیباترین مناطق، برخی مواقع مناطق ساحلی هستند.
نماینده مردم غرب استان هرمزگان در مجلس شورای اسلامی اذعان نمود: با توجه به این‌که در مجاورت خلیج‌فارس قرار گرفته‌ایم و مردم حق قیاس با کشورها و استان‌های همجوار را دارند؛ بنابراین در شاخص توسعه به‌ویژه در حوزه علمی و ذاتی، تکلیف را قانون بر ما مشخص کرده است که متاسفانه خیلی عقب مانده‌ایم؛ چراکه زیرساخت‌های لازم در این مناطق ایجاد نشده است.
به گفته جباری؛ عدم تحقق زیرساخت‌ها یا مشکل قانونی دارد که به عنوان قانونگذار باید این موضوع را پیگیری و نسبت به حل آن اقدام کنیم و یا تحت‌تاثیر عملکرد مدیران است که باید هرچه سریع‌تر تدابیری در این خصوص اندیشیده شود.
این نماینده مجلس در تکمیل سخنان خود، برنامه راهبردی و استراتژیک این اقدام را، خدمت بی‌منت به مردم عنوان کرد و افزود: در دولت سیزدهم حتی تشریفات زائد حذف شده است؛ این مهم یکی از نشانه‌های خدمتگزاری دولت و شخص رئیس‌جمهور می‌باشد.
وی عنوان کرد: تعامل و همدلی که میان دولت و مردم در سطح عالی و میانی ایجاد شده، با اهتمام ویژه به وظایف محوله هر کدام در حوزه‌های مربوطه با یک هدف مشخص باید گام‌های موثری در راستای اعتلای ایران اسلامی برداریم.
نماینده مردم غرب استان هرمزگان در مجلس شورای اسلامی در پایان تاکید کرد: باید اختیارات به مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تفویض شود؛ یعنی به عنوان حاکمیت منطقه عمل کند و به هر نتیجه و جمع‌بندی که می‌رسند، اجرایی گردد.

در دیدار مردمی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تصریح شد:

حل مشکلات ساکنان جزیره؛ از مهم‌ترین وظایف سازمان منطقه آزاد کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش پس از اقامه نماز مغرب و عشاء در مسجد امام حسن مجتبی(ع)، با حضور امام‌جمعه کیش، با جمعی از کیشوندان و نمازگزاران دیدار و گفت‌وگو کرد.
رحیم سرهنگی در ملاقات مردمی، حل مشکلات ساکنان جزیره را از مهم‌ترین وظایف سازمان منطقه آزاد کیش عنوان کرد و گفت: رسیدگی به وضعیت معیشتی، وضعیت اقتصادی سرمایه‌گذاران و کارآفرینان و فعالان اقتصادی، از اولویت‌های سازمان به‌شمار می‌رود.
رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در ادامه سخنان خود بر لزوم اهمیت پاسخگویی به مردم و پیگیری حل مشکلات ساکنان تاکید کرد و خاطرنشان نمود: مسائل و مشکلات براساس اولویت رسیدگی می‌شود و برخی نیز در بلندمدت پیگیری و انجام خواهد شد.
گفتنی است، وضعیت معیشتی، درخواست مجوز، مشکلات مربوط به اجاره‌بهای مسکن، ورود و خروج خودروها به کیش و رعایت مسائل اجتمایی و فرهنگی در سطح جزیره، ازجمله موارد مطرح شده در جلسه ملاقات مردمی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش بود.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش اظهار داشت:

نقش بی‌بدیل دانشگاه‌ها در توسعه فعالیت صنایع های‌تک در جزیره کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره نقش مهم دانشگاه‌ها در راستای توسعه شهرک‌های صنعتی کیش برای فعالیت «صنایع های‌تک»، بر همکاری همه‌جانبه این مراکز و سازمان تاکید کرد.
رحیم سرهنگی در مراسم تکریم و معارفه رئیس پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران که در سالن مولوی این دانشگاه برگزار شد؛ بر ارتباط هرچه بیشتر میان سازمان منطقه آزاد کیش و پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های جزیره تاکید کرد و افزود: دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در راستای توسعه شهرک‌های صنعتی کیش برای فعالیت صنایع های‌تک ایفا کنند.
وی با اشاره به این‌که مناطق آزاد بسترهایی برای توسعه تکنولوژی و دانش و فناوری به‌شمار می‌روند، عنوان کرد: در توسعه تکنولوژی، سه‌گانه‌ای با عنوان دانشگاه، صنعت و دولت وجود دارد که با همکاری مناسب این سه حوزه، تکنولوژی و فناوری توسعه خواهد داشت.
مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش اظهار داشت: با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه اقتصادی مقاومتی، بحث توسعه تکنولوژی در مناطق آزاد حائز اهمیت است.
سرهنگی تصریح کرد: از ظرفیت حضور پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه های معتبر کشور در کیش می‌توان در راستای رشد و توسعه تکنولوژی و فناوری در منطقه اقدامات مهمی را انجام داد.
وی ادامه داد: دانشگاه‌های حاضر در کیش با توجه به جایگاه علمی و توان بالای برقراری ارتباطات، می‌توانند نقش مهمی در استقرار صنایع مختلف در کیش داشته باشند.
رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان، حاکم شدن عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها را به عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌های دانشگاه‌ها برشمرد و گفت: دانشگاه‌ها با پژوهش‌های بلندمدت و یا به عنوان مشاور می‌توانند اثربخشی مطلوبی درتصمیم‌گیری‌های متعدد حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی سازمان و بخش‌های خصوصی داشته باشند.
همچنین، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بی‌نیاز نیز در این مراسم با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب و چشم‌اندازی که براساس اعتقادات از دیدگاه اسلامی، دینی و قرآنی در بحث مهدویت وجود دارد، به تاثیر مراکز علمی در توسعه و تقویت تمدن نوین اسلامی اشاره کرد و گفت: در این تمدن‌سازی مراکز علمی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه نقش بسزایی دارند.
امام‌جمعه کیش، رشد و توسعه فراگیر تمدن نوین اسلامی در دنیا را نتیجه تاکید و منابع تفکری دین اسلام و اهمیت به علم و علما و مراکز علمی عنوان کرد و افزود: مساجد، نخستین مراکز آموزشی در اسلام به‌شمار می‌روند که با رشد و توسعه تمدن اسلامی به مدارس و حوزه‌های دینی ارتقا پیدا کردند.
حجت الاسلام والمسلمین بی‌نیاز در پایان به نقش و هدف دانشگاه‌های حاضر در جزیره کیش اشاره کرد و خاطرنشان نمود: جذب دانشجویان خارجی، ارتباطات با مراکز علمی بین‌المللی، انجام پروژه‌های مشترک علمی باید به عنوان ویژگی‌های مهم دانشگاه‌های جزیره در نظر گرفته شود.
شایان ذکر است در پایان این مراسم حسن مروتی به عنوان رئیس جدید پردیس بین‌المللی کیش معرفی و از زحمات علیرضا ذاکراصفهانی در زمان تصدی این سمت، تقدیر به عمل آمد.
گفتنی است، در آیین تکریم و معارفه رئیس پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، امام‌جمعه اهل تسنن، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع دانشگاه تهران، جمعی از مسئولان و مدیران سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت‌های تابعه، مسئولان بسیج سپاه کیش، اساتید و دانشجویان حضور داشتند.

طی احکام جداگانه‌ای از سوی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش صورت گرفت:

انتصاب اعضای ستاد جهش سرمایه‌گذاری و صادرات منطقه آزاد کیش

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش طی احکام جداگانه‌ای، اعضای ستاد جهش سرمایه‌گذاری و صادرات منطقه آزاد کیش را منصوب کرد.
طی احکام جداگانه‌ای که از سوی رحیم سرهنگی خطاب به اعضای این ستاد صادر شده، آمده است:
با عنایت به اهمیت و ضرورت تشکیل ستاد جهش سرمایه‌گذاری و صادرات سازمان‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در منطقه، به موجب این حکم جنابعالی به عنوان «عضو ستاد جهش سرمایه‌گذاری و صادرات منطقه آزاد کیش» منصوب می‌شوید.
انتظار می‌رود با بهره‌گیری از روحیه انقلابی و کار جهادی با هماهنگی و همکاری سایر اعضای ستاد، موارد ذیل را در اولویت برنامه‌های آن ستاد قرار دهید:
افزایش فعالیت سازمان در جهت جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در راستای تحقق اهداف عالیه سازمان، جلوگیری از خروج سرمایه از کشور و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی برای اجرای بسته‌های سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد کیش و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود در منطقه برای جهش صادرات محصولات (شامل محصولات تولیدی منطقه و صادرات مجدد).
امید است در سالی که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) سال «مهار تورم، رشد تولید» نامگذاری شده است، با عنایت خداوند متعال، پیوسته موفق و موید باشید.
گفتنی است، سعید پورزادی عضو هیات مدیره و معاون عمرانی و زیر بنایی، مهدی ادیبان عضو هیات مدیره و سرپرست معاونت توسعه مدیریت، علیرضا ابراهیم‌پور سرپرست معاونت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، امیر ترکاشوند سرپرست مدیریت روابط عمومی و امور بین‌الملل، منصور ملانوری شمس مدیر امور زیربنایی، امین صفایی مدیر فنی و عمران شهری، شهرام جودت مدیر طراحی، اطلاعات جغرافیایی و طرح جامع کیش، حبیب آمرغ‌فرد سرپرست مدیریت امور مالی، حمزه زائری سرپرست مدیریت پشتیبانی، غلامرضا ابراهیمی سرپرست مدیریت برنامه و بودجه، معصومه رفیعی کتم‌جانی مدیر منابع انسانی، محمد پازوکی مدیر توسعه تجارت، علی امیدی مدیر بازرگانی، علیرضا ساویز مدیر سرمایه‌گذاری و سرپرست مدیریت تسهیل تولید و صنایع، محمد عزیزی سرپرست مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت حقوقی، امور قراردادها و املاک، اعضای ستاد جهش سرمایه‌گذاری و صادرات منطقه آزاد کیش هستند.

اخبار منطقه آزاد کیش

از سوی انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان صورت گرفت:

تقدیر از عملکرد کیش‌ایر در زمینه افزایش پروازها به مقصد کیش

انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کیش، از تلاش‌های شرکت هواپیمایی کیش در زمینه افزایش ناوگان هوایی و پروازها به مقصد جزیره قدردانی کرد.
این مراسم با حضور سعید پورزادی معاون عمرانی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد کیش، عزت‌اله محمدی مدیرعامل شرکت توسعه مدیریت بنادر و فرودگاه‌ها و علیرضا ابراهیم‌پور مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه، همچنین اعضای انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان جزیره و روسای جوامع صنفی در سالن اجتماعات هتل آرامیس پلاس برگزار شد.
دبیر انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کیش در این مراسم ضمن قدردانی از پرسنل و کارکنان شرکت هواپیمایی کیش برای ارائه خدمات مطلوب به ساکنان و گردشگران جزیره، همچنین در اولویت قرار دادن پروازهای کیش با بیشترین ظرفیت، نسبت به ماه‌های گذشته؛ حمل‌ونقل را یکی از حلقه‌های اصلی بحث گردشگری عنوان کرد و گفت: حیات و ممات این جزیره در گرو تقویت و توسعه حمل‌ونقل هوایی می‌باشد و کیش‌ایر در این امر همیشه پیشگام بوده است.
محسن قریب اظهار داشت: تحولات مثبتی را با حضور تیم مدیریتی جدید در شرکت هواپیمایی کیش شاهد بوده‌ایم و درحال حاضر، بالغبر ۴۰درصد پروازهای جزیره توسط این شرکت انجام می‌شود.
وی تصریح کرد: با توجه به حجم کلان سرمایه‌گذاری‌ها در بحث گردشگری کیش به‌ویژه ساخت هتل، باید برنامه‌ریزی‌های مدونی را برای برگزاری رویدادها، اتفاقات، جشنواره‌های بزرگ و مشوق‌های سفر در تمامی ایام سال با هدف افزایش چشمگیر ورود گردشگر مدنظر قرار دهیم.
دبیر انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کیش در ادامه، برقرای پروازهای خارجی به صورت مستمر از کیش به دیگر مقاصد دیگر را عامل رقم خوردن اتفاقات خوب برای جزیره برشمرد و عنوان کرد: ۵۵درصد از کاربری‌های جزیره کیش، به امر گردشگری اختصاص یافته و این صنعت محور اصلی فعالیت‌ها در این منطقه تعریف شده است، بنابراین رویکرد ما باید بسترسازی و ایجاد زیرساخت برای داشتن شهر گردشگری باشد.
همچنین، مدیرعامل شرکت هواپیمایی کیش نیز در این مراسم با اشاره به تحریم‌های صنعت هوانوردی و تشریح مشکلات موجود در توسعه ناوگان کیش‌ایر گفت: در این فرصت که مسئولیت کیش‌ایر را عهده‌دار شدم، به کمک تمامی عوامل شرکت، موفق به افزودن یک فروند ایرباس به خط پروازی کیش و خرید ۶موتور برای تعمیر هواپیماهای زمین‌گیر شدیم و تعداد ناوگان را از ۲فروند به ۱۰فروند افزایش دادیم.
ابوالفضل اسناوندی در ادامه بیان داشت: طبق سیاست‌ها، برای یکدست شدن ناوگان کیش ایر، فوکرها را از ناوگان خارج می‌کنیم و ایرباس دوم به ناوگان اضافه می‌شود.
مدیرعامل شرکت هواپیمایی کیش اظهار داشت: درحال حاضر مسیر دبی به عنوان مقصد خارجی ما به صورت مجدد راه‌اندازی شده و خواستار همکاری هرچه بیشتر سازمان منطقه آزاد کیش در راستای رشد، ارتقا و توسعه سطح خدمت‌رسانی شرکت هواپیمایی کیش همچنین برقراری پروازهای بین‌المللی به مقاصد دیگر هستیم.
در ادامه، معاون بازرگانی و قائم‌مقام مدیرعامل شرکت هواپیمایی کیش نیز در این نشست، رکن اصلی توسعه گردشگری را توجه ویژه به حمل‌ونقل هوایی عنوان کرد و گفت: توسعه شبکه پروازی با توسعه اقتصادی ارتباط مستقیم دارد و برای دست یافتن به این هدف، باید به ارتقا شبکه پروازی به‌ویژه پروازهای بین‌المللی و ثروت‌آفرین توجه داشت.
رامین کاشف‌آذر، برون‌رفت کیش‌ایر از وضعیت کنونی را یک مطالبه عمومی برشمرد و تصریح کرد: باید با بررسی ابعاد مختلف این موضوع و همدلی بخش خصوصی و دولتی درخصوص توسعه و توسعه خط پروازی کیش به اجماع برسیم.
شایان ذکر است، خرید هواپیما توسط بخش خصوصی، از پیشنهاداتی بود که در این مراسم عنوان شد.
گفتنی است، در پایان این مراسم، انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کیش با اهدا لوح، از عملکرد ابوالفضل اسناوندی مدیرعامل شرکت هواپیمایی کیش و عوامل این شرکت هواپیمایی قدردانی کرد.

با هدف بررسی زیرساخت‌های بنادر ورودی به کیش انجام پذیرفت:

بازدید مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش از بندر آفتاب

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با هدف بررسی زیرساخت‌های بنادر ورودی به کیش، از بندر آفتاب بازدید کرد.
در این بازدید، معاون عمرانی و زیربنایی و چند تن از مدیران سازمان منطقه آزاد کیش، رحیم سرهنگی را همراهی کردند.
مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و هیات همراه پس از بازدید از پایانه مسافری، مرکز اقامتی و بخش‌های مختلف بندر آفتاب، بر لزوم اتمام برخی از طرح‌های عمرانی در این بندر تاکید کرد.
رحیم سرهنگی ضمن تاکید بر افزایش سفرهای دریایی، به معاونان سازمان منطقه آزاد کیش تاکید کرد تا زمینه را برای رونق این بندر فراهم کنند.
گفتنی است، بندر آفتاب با مساحت ۶۰هکتاری در خشکی و آب نخستین بندر تجاری-مسافری است که توسط بخش خصوصی و مشارکت سازمان منطقه آزاد کیش در ۱۸ کیلومتری جزیره کیش احداث شده است و مجهز به انبار سرپوشیده، پارکینگ خودروهای سبک و سنگین، ترمینال مسافری، پمپ بنزین و رستوران است.

بررسی عوامل دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴ ایران:

توسعه اقتصاد دریامحور با ایجاد بنادر نسل سوم در مناطق آزاد ایران

گزارش:
فریبا شیخی

اهمیت دریا و نقش آن در اقتصاد و زندگی امروز انکارناپذیر است. منافع کشورهای صاحب دریا ارتباطی مستقیم با نیازمندی‌ها، توانایی‌ها و فرهنگ آنها دارد و درواقع سیاست دریایی آن کشورها براساس این مشخصات تدوین می‌شود. سیاست‌های توسعه اقتصاد دریا در قالب راهبرد دریایی کشورها تبیین می‌شود و اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی را به‌دنبال دارد. دستیابی به هریک از اهداف مذکور به میزان به‌کارگیری صحیح و موثر نیروی انسانی، ابزار و تجهیزات و زیرساخت‌های قانونی بستگی دارد. دریاها و سواحل پتانسیل فوق‌العاده‌ای در روند اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی دارند و می‌توانند بخش بزرگی از اهداف اقتصادی کشور را محقق سازند، به طوری که علاوه‌بر ایجاد درآمدزایی، ارزآوری، ایجاد اشتغال، تامین نیازهای ساکنان بومی و بسیاری از موارد اقتصادی دیگر، به حفظ و ثبات بافت جمعیتی شهرهای ساحلی نیز قوام بخشند.

امروزه بالغبر ۹۰درصد از تجارت جهانی از طریق حمل‌ونقل دریایی انجام می‌گیرد؛ زیرا این نوع حمل‌ونقل دارای مزایای قیمت ارزان، انتقال حجم و وزن انبوه کالا، انتقال سریع و بی‌خطر کالاها است. این مزایا باعث گردیده که حمل‌ونقل دریایی و راه‌های آبی، از توجه ویژه‌ای برخوردار باشند. حمل‌ونقل دریایی کالاها نقش کلیدی در تجارت خارجی به‌ویژه تجارت فراقاره‌ای جهان دارد؛ لذا بدون وجود ترانزیت دریایی، واردات و صادرات کالا که پایه تجارت مدرن جهانی است، امکان‌پذیر نیست.

ایران با وجود داشتن کیلومترها خط ساحلی در جنوب و شمال کشور و دسترسی به آب‌های آزاد، سهم زیادی از اقتصاد دریامحور ندارد و از این ظرفیت به جز در امر صادرات و واردات استفاده چندانی نمی‌کند؛ آن هم در شرایطی که کشور به‌راحتی می‌توانند مانند بسیاری از اقتصادهای بزرگ جهان همچون چین، آلمان، بلژیک و غیره درآمد بسیاری از این راه کسب و به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند.

مرزهای طویل جغرافیایی با کشورهای منطقه‌ای ازجمله آسیای میانه، خاورمیانه، غرب و جنوب آسیا که زمینه مساعدی را برای بنادر ایران در تجارت منطقه‌ای فراهم می‌آورد و نقش بالقوه سامانه انبارش و توزیع را برای بنادر ایران در سطح منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای فراهم می‌کند، یکی از پتانسیل‌های مهم کشور می‌باشد که آنچنان که باید و شاید مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

کشور بزرگ ایران با در اختیار داشتن بیش از ۵هزار کیلومتر مرزهای آبی در شمال و جنوب، دسترسی آسان به آب‌های بین‌المللی، قرار گرفتن در مجاورت غنی‌ترین مخازن نفت و گاز در عمق دریا، مالکیت جزایر متعدد در آب‌های جنوبی، دارا بودن ذخایر غنی آبزیان دریایی و در اختیار داشتن راهبردی‌ترین نقاط حیاتی جهان در قلمرو آبی تحت حاکمیت خود، دارای ویژگی‌ها و مزیت‌های بی‌شماری است؛ این ویژگی‌ها موجب شده برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری هر چه بیشتر و بهتر از این نعمت الهی فراهم و افق چشم‌انداز توسعه با نگاه به دریا روشن‌تر شود و مسیر دسترسی به هدف قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور منطقه در کلیه ابعاد آسان‌تر و سریع‌تر طی شود.

بنادر و دستیابی به اقتصاد دریامحور

یکی از حلقه‌های اصلی در حمل‌ونقل دریایی، بنادر می‌باشند که مبادی ورود و خروج کالاها هستند. در سرتاسر جهان، بنادر هر کشور حکم دارایی‌های راهبردی ملی را دارند. کشورهایی که بتوانند مطابق میل بازار و مشتریان و همگام با تکنولوژی روز، مسیر توسعه و بهبود بنادر را بپیمایند و جایگاه بهینه و بهره‌ور را نه تنها برای خود، بلکه برای ذی‌نفعان نیز در بازار رقابتی جهانی فراهم آورند، بسیار معدود هستند.

همچنین وجود بنادر کارا و فعال، علاوه بر این که می‌توانند به متنوع‌سازی اقتصادی و خروج از تک‌محصولی بودن صادرات ایران به دلیل اتکای شکننده به نفت منجر شوند؛ نقش ارزشمندی را نیز در کاهش بهای تمام‌شده کالاها ایفا می‌کنند. لذا بنادر جزء دارایی‌های نامشهود ملی هستند که از دو جهت عمده بر بهای تمام‌شده کالاهای داخلی تاثیرگذار می‌باشند:

۱) تاثیر بر قیمت تمام‌شده مواد خام، قطعات، ماشین‌آلات، مواد ساخته شده یا نیمه‌ساخت‌های که وارد کشور می‌شوند تا در فرآیند تولید و یا ارائه خدمات داخلی به‌کار روند.

۲) تاثیر بر هزینه‌های انبارداری، حمل‌ونقل، خسارات و... روی کالاهای ساخته شده داخل که به منظور صادرات از کشور خارج می‌شوند.

تحولات بنیادین بنادر در جهان

پیش از سال ۱۹۶۰، بنادر تنها وظایف سنتی و ساده‌ای را به عنوان نقطه انتقال کالا بین دریا و خشکی برعهده داشتند که مهم‌ترین آنها تخلیه و بارگیری کالاها در اسکله‌ها و بالعکس بود. این بنادر ابتدا قادر به تامین اهداف ملی یعنی تسهیل تجارت و بازرگانی خارجی کشورها بودند، اما اکثر آنها قادر به مستهلک‌سازی سرمایه‌گذاری‌های عظیم انجام شده به علت عواید اندک حاصل از اخذ تعرفه‌ها نبودند و برای تامین مخارج و هزینه‌های جاری، لاجرم از بودجه سالانه دولت‌ها استفاده می‌کردند. بنادر در چنین حالتی به موازات عملکرد اصلی خود به عنوان دروازه دریایی برای مبادلات خارجی، تبدیل به بنگاه‌های بزرگ زیان‌ده، ناکارآمد و یارانه‌گیر از دولت می‌شوند. در این شرایط بنادر نسل اول با عملکرد سنتی، از گردونه رقابت خارج شدند و بنادر نسل دوم در سال‌های ۱۹۶۰تا ۱۹۸۰ ظهور پیدا کردند. در بنادر نسل دوم ایفای نقش توزیع و پردازش کالا به فعالیت بنادر افزوده شد و صنایع مربوط به کشتی نیز در اطراف بنادر استقرار یافتند. بدین ترتیب محدوده بندری به نحو چشمگیری افزایش یافت و دیدگاه دولتی حاکم بر مدیریت بندر از یک مرز و محدوده گمرکی و بارانداز صرف کالا، به یک محیط خدماتی و صنعتی با قابلیت ایجاد ارزش افزوده تبدیل شد. در این شرایط بنادر توانستند ضمن سودآوری و کارآمدی، به عنوان قطب‌های توسعه یا موتورهای رشد منطقه‌ای عمل کنند و با افزایش قدرت اشتغال‌زایی و توزیع مجدد درآمدها، هدف توسعه منطقه‌ای را تامین کنند.

پسکرانه‌های بندری نیز به‌طور چشمگیری تحت‌تاثیر کارکردهای جدید بندری درگیر فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم مربوط به بنادر شدند. در این بنادر کارگزاران بازرگانی حمل‌ونقل و صاحبان کالا به‌طور مستقیم به ایفای نقش پرداخته و ارتباطات تجاری و خدماتی گسترش یافت. از سال ۱۹۸۰ با توسعه حمل‌ونقل کانتینری و ظهور سامانه جدید چندوجهی، بنادر نسل سوم ظهور کردند. این بنادر از مراکز خدمات کالایی تبدیل به بازار کالا شدند. محدوده عملکرد بنادر نسل سوم از محدوده بنادر و محدوده‌های همجوار به پسکرانه‌ها و مراکز توزیع داخلی گسترش یافت.

وجه تمایز این بنادر با بنادر نسل دوم، تقویت کارکردهای بازرگانی در کنار کارکردهای خدماتی و صنعتی است. استفاده از فناوری اطلاعات و روش‌های بازرگانی الکترونیکی در این بنادر به‌طور وسیع مورد استفاده قرار گرفته و بنادر از قدرت اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده بسیار بیشتری برخوردار شدند. امروزه، توسعه بنادر و موفقیت تجاری بنادر، می‌تواند ناشی از ارتقای بهره‌وری خدمات تخلیه و بارگیری و یا ارائه خدمات دارای ارزش افزوده و یا هر دو باشد. ارائه خدمات دارای ارزش افزوده، به دلیل نیاز مشتریان به این خدمات، روشی موثر برای ایجاد مزیت رقابتی پایدار محسوب می‌شود.

چشم‌انداز اقتصادی بنادر و ضرورت توسعه

تجارت جهانی و به تبع آن حمل‌ونقل دریایی موجب پیشرفت و توسعه بنادر می‌شود. وقایع سیاسی و نیز پیشرفت‌های فنی، به‌طور بنیادی، ساختار فعالیت بنادر را نیز تحت‌تاثیر قرار داده است. اقتصاد جهانی و سازمان و اجتماع را در معرض تغییرات مستمر قرار داده است.

تکامل حاصل از این تغییرات، بر بخش حمل‌ونقل تاثیر مستقیم داشته و چشم‌انداز اقتصادی که در آن بنادر باید نقش خود را ایفا کنند، به عوامل زیر بستگی دارد:

- افزایش پراکندگی جغرافیایی مهم‌ترین مراکز تجارت بین‌المللی؛
- توسعه تجارت بین‌المللی؛
- جهانی‌سازی الگوی تولید و مصرف؛
- نیازهای جدید تجارت جهانی در زمینه حمل و نقل و توزیع؛

از سوی دیگر افزایش ابعاد و تخصصی شدن شناورها، ناگزیر بر روی عملیات بندر اثر گذاشته است. امروزه، این یک امر بدیهی است که تولید، تجارت و حمل‌ونقل دیگر به عنوان فعالیت‌های مجزا و منفرد بررسی نمی‌شوند؛ بلکه تمامی این عوامل در یک سیستم واحد و یکپارچه به یکدیگر پیوند خورده و بر این واقعیت صحه می‌گذارد که وظایف بنادر نوین، بسیار فراتر از وظایف سنتی تخلیه و بارگیری کشتی‌ها بوده و فعالیتی مستقل از آنچه بر تولید، تجارت و حمل‌ونقل می‌گذرد، انجام نمی‌دهند.

در نتیجه به منظور آمادگی برای انجام چنین وظایفی، بنادر باید از مراکز صرفا حمل‌ونقل به مراکز لجستیکی که به‌طور کامل با ساختار جدید حمل‌ونقل بین‌المللی و دریایی تطبیق دارد، تبدیل شوند.

بنابراین ایجاد و گسترش فعالیت‌های لجستیکی در بنادر نه تنها موجب تقویت عملکرد اقتصادی بندر و افزایش منافع حاصل از آن می‌باشد؛ بلکه می‌توان جذابیت لازم برای نگهداری مشتریان فعلی و جلب مشتریان بالقوه جدید برای بندر به‌وجود آورد که موجب حفظ بهبود و تقویت قابل توجه در موقعیت رقابتی بنادر می‌شود. این امر به‌روشنی لزوم اتخاذ استراتژی‌های مناسب در راستای توسعه مراکز لجستیکی در بنادر را نشان می‌دهد.

چشم‌انداز توسعه دریایی ایران

از آنجا که مهم‌ترین و بلندمدت‌ترین برنامه تدوین شده در کشور، برنامه ۲۰ساله است، در این قسمت، از آن برنامه استفاده می‌شود تا چشم‌انداز مناسبی برای توسعه دریایی کشور تدوین شود. براساس چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ ایران کشوری است:

توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل... دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای غربی.

با توجه به چشم‌انداز کشور و ویژگی‌های آن، چشم‌انداز توسعه دریایی کشور در افق ۱۴۰۴، به شرح زیر قابل تدوین خواهد بود: امور دریایی، دارای مولفه‌های مهمی در حوزه اقتصادی، علمی و فناوری است؛ از این‌رو دستیابی به مقام اول در منطقه، ارتباط تنگاتنگی با وضعیت چشم‌انداز توسعه دریایی کشور دارد و پیشرفت جدی در این حوزه را طلب می‌کند. تحقق اقتدار دریایی کشور و دستیابی به مقام اول در منطقه توانمندی همه‌جانبه کشور در دریا جهت حضور موثر و برتر در تمامی فعالیت‌ها و بهره‌برداری حداکثری از منافع حاصل (اقتصادی، اجتماعی، نظامی و...) از طریق کارآفرینی، نوآوری، خلاقیت و کشف و خلق فرصت‌ها را می‌طلبد.

با توجه به اهداف سند چشم‌انداز، می‌بایست راهبردهایی همچون توسعه فعالیت‌های اقتصادی سازگار با ظرفیت‌های زیست محیطی مناطق ساحلی، ترویج فرهنگ کارآفرینی دریایی، ایجاد زمینه مشارکت همگانی در ساماندهی مناطق ساحلی، حفاظت و احیای زیست بوم‌های ساحلی و دریایی، کشف و خلق فرصت‌های کارآفرینانه را در جهت دستیابی به اقتدار اقتصاد دریایی به‌کار گرفت.

ارزش افزوده اقتصاد دریا در ایران و جهان

اندازه‌گیری ارزش اکوسیستم دریایی کاری سخت و پیچیده است؛ اما تلاش‌های تحقیقاتی در این زمینه شتاب قابل‌توجهی در سال‌های اخیر به خود گرفته است. تخمین‌های زده شده از منافع خدمات اکوسیستم دریایی نشان می‌دهد که این منافع قابل توجه است. سهم اقتصاد دریای جهانی، در صنایع وابسته به دریا در تولیدات اقتصادی و اشتغال قابل توجه است. محاسبات بر مبنای پایگاه داده OECD، براساس سال پایه ۲۰۱۰ (که مبنای سناریو تا سال ۲۰۳۰ نیز می‌باشد)، نشان می‌دهد که سهم این صنایع، حدود ۱٫۵ تریلیون دلار و یا حدود ۲٫۵درصد ارزش افزوده ناخالص جهانی را شامل می‌شود.

سهم برخی از صنایع دریایی به شرح زیر می‌باشد:

- نفت و گاز دریایی حدود یک‌سوم ارزش افزوده؛
- گردشگری دریایی و ساحلی ۲۶درصد؛
- بنادر ۱۳درصد؛
- تجهیزات دریایی ۱۱درصد؛

این درحالی است که کل سهم صنعت ماهیگیری (صنعتی) حدود یک‌درصد تخمین زده شده است.

براساس نظر کارشناسان، چالش اصلی در امر خدمات مستقیم و پشتیبانی زنجیره تامین صنعت حمل‌ونقل دریایی در کشورهای مختلف با هر سطحی از توسعه، چگونگی رقابت‌پذیر ساختن موسسات، بنگاه‌ها و فعالان صنعت حمل‌ونقل دریایی در مقیاس جهانی و تضمین حفظ شرایط رقابت‌پذیری است. اصولا کشورها برای توسعه قابلیت‌های فنی، نیازمند کسب دانش خاص در سطح موسسات، مهارت و تجربه از طریق یک فرآیند یادگیری تجمعی هستند که این امری دشوار و زمان‌بر است.

کارآفرینی، مهم‌ترین محور اصلی رشد و توسعه اقتصاد دریایی

کارآفرینی به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصاد دریایی به دلایل زیر دارای اهمیت است:

۱- عامل افزایش سرمایه‌گذاری و به‌تبع آن افزایش سود و سرمایه سرمایه‌گذاران می‌شود.

۲- سبب ایجاد فرصت‌های تازه در بازار کار و راهکار موثری در ایجاد اشتغال مولد و پایدار در کشور است.

۳- موجب دگرگونی ارزش‌ها و تحول ماهیت آنها می‌شود و ارزش‌های تازه‌ای به‌وجود می‌آورد.

۴- موجب آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود.

۵- محیط و شرایط لازم را برای تولید کالاها، محصولات و بازاریابی آنها فراهم می‌سازد.

۶- کارآفرینی سبب پیدایش محصولات، خدمات، روش‌ها، سیاست‌ها، افکار و راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می‌شود.

۷- عامل توسعه اقتصادی، رفاه و تامین اجتماعی جامعه است.

دلایل لزوم توجه به کارآفرینی دریایی در ایران

شرایط داخلی کشور به‌گونه‌ای است که توجه به دریا را بیش از پیش الزامی می‌سازد. تراکم نسبی جمعیت در سراسر ایران، وضع نسبی یکسان و مطلوبی ندارد و این موضوع علاوه‌بر آن‌که توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد، در کلیت جامعه کنونی ما نیز وضعی نابسامان را جلوه‌گر می‌سازد؛ رشد فزاینده تخریب محیط‌زیست و نابسامانی در بهره‌برداری از آب و خاک، به علاوه ناپایداری بهره‌مندی مطلوب از ریزش‌های جوی، بهره‌گیری هرچه بیشتر از دریا جهت تامین معیشت و تغذیه و اشتغال و حتی اسکان را الزام‌آور می‌سازد. این درحالی است که تنها حدود یک‌درصد از اشتغال و حدود یک‌درصد از تغذیه مردم ایران با استفاده از دریا است.

هزاران کیلومتر ساحل در شمال و جنوب و هزاران کیلومترمربع آب‌های تحت حاکمیت کشور در طول سده‌های اخیر نقش و جایگاه موثری در رشد و توسعه کشور نداشته‌اند و بخش اعظمی از راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای معطوف به آبادانی بخش‌های مرکزی بوده و به مناطق ساحلی و دریاها کمتر پرداخته شده است. قدرت‌های استعمارگر نیز همواره سعی در محدود کردن دسترسی ملت‌ها و دولت‌ها به آب‌های آزاد، محصور کردن آنها در خشکی و در نهایت دور کردن آنها از سواحل و دریاها به منظور عدم ارتباط مستقیم و فعال با دنیای پیرامون داشته‌اند.

با شکل‌گیری نظام‌های نوین جهانی و دگرگونی در ساختاربندی‌ها و قواعد توسعه ملی کشورها، مزیت و فرصت بی‌نظیر دریا به عنوان یک حوزه دارای قابلیت توسعه نادیده انگاشته شد، طی سال‌های دهه ۴۰ تا ۶۰ شمسی از سویی به علت فقدان تجربه عملگرایانه در برنامه‌ریزی‌های توسعه و نیز به دلیل گسترده شدن سایه درآمدهای نفتی بر ساختار اقتصاد ملی، آمایش سرزمینی ایران در ناقص‌ترین و پرایرادترین شکل خود ظهور و بروز یافت.

در این میان عمده‌ترین سهم از نگاه توسعه به کلانشهرهایی با جمعیت روبه رشد و عمدتا مهاجر معطوف شد؛ کلانشهرهایی که هیچ‌کدام لذت طلوع و غروب آفتاب ارغوانی دریا را تجربه نمی‌کردند. این پدیده به مرور توسعه نامتوازن در کشورمان را رقم زد که علاوه‌بر ایجاد دردسرهایی در روند توسعه کلی اقتصاد، انبوه مزیت‌های نواحی ساحلی ایران را عقیم گذارد.

نتیجه‌گیری

صنایع دریایی به عنوان یکی از صنایع مادر می‌تواند نقش موثری در رشد و توسعه کشور داشته باشد. این حوزه برگیرنده طیف وسیعی از فعالیت‌هایی همچون ساخت، تعمیر و تغییر سازه‌های گوناگون، تهیه همه ابزار و تدارک خدمات و نیازمندی‌های مرتبط با انواع کشتی، شناور، سکوهای فراساحل، ناوبری، دریانوردی، دریاداری، بندرداری، خدمات بندری و صید و صیادی می‌باشد.

سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی و خصوصی متفاوتی که مرتبط با این صنعت می‌باشند، طیف وسیعی را شامل شده که ازجمله می‌توان به مراکز آموزشی دریایی، انجمن‌های صنفی و تخصصی دریایی، شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره و مهندسی دریایی، پژوهشگاه‌های دریایی و واحدهای تولید تجهیزات و قطعات و سازه‌هایی دریایی و فراساحل، شیلات، بنگاه‌های رده‌بندی و بازرسی دریایی، بندرها، مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی دریایی، سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی، شرکت‌های ترابری و خدمات بازرگانی دریایی، شرکت‌های نفتی دریایی و مراکز صنعتی دریایی ایران اشاره نمود.

صنایع دریایی شامل حوزه وسیعی از صنایع می‌شود که هر کدام می‌توانند پشتوانه و مهد توسعه علم و فناوری باشند؛ همان‌طور که قابلیت‌ها و توانمندی‌های متفاوتی در صنایع دریایی موجود می‌باشد، چالش‌ها و نقاط ضعفی در این صنعت وجود دارد که اشتغال‌زایی و کارآفرینی را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد.

دیر بازده بودن پروژه‌های دریایی خصوصا در زمینه ساخت سازه‌های دریایی و شناور ازجمله عواملی می‌باشد که اشتیاق کارآفرینان را جهت ورود به این حوزه کاهش می‌دهد. از طرفی سرمایه موردنیاز در این حوزه نسبت به سایر حوزه‌های کارآفرینی بیشتر می‌باشد که نیازمند حمایت دولت و مشارکت ارگان‌های متفاوتی همچون بانک می‌باشد.

علاوه‌بر سرمایه‌گذاری سنگین؛ تامین بخش اعظم نیازها و تجهیزات دریایی در قالب واردات شکل می‌گیرد که امکان رقابت شرکت‌های کارآفرین داخلی را با شرکت‌های بین‌المللی عملا غیرممکن می‌سازد. در بخش آموزش منابع درسی ارائه شده در موسسات آموزشی دریایی و دانشگاه‌ها بسیار قدیمی و فاقد سیلابس‌های مربوط به کارآفرینی می‌باشد که نیازمند گنجاندن دروس خلاقیت و کارآفرینی در مقاطع مختلف به خصوص کارشناسی می‌باشد. معرفی بازارهای متفاوت کار رشته‌های دریایی منجر به افزایش مهارت در شناسایی نیازهای مربوط به هر بازار می‌گردد.

شناسایی افراد خالق در رشته‌های دریایی و ارائه تسهیلات مالی با هدف عملی نمودن نتایج تحقیقات می‌تواند ورود کارآفرینان را در این بخش نیز تسهیل سازد. این امر از طریق سیاستگذاری‌های کلان دولتی، توجه بخش آموزش به مباحث کارآفرینی در راستای تقویت مهارت‌های دانشجویان و حمایت مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری از تحقیقات و پژوهش‌های دریایی امکان‌پذیر می‌باشد.

یادداشت

فرش قرمز رقبا برای فعالین اقتصادی مناطق آزاد ایران

یادداشت:
یوسف اکبرنژاد
فعال اقتصادی در منطقه آزاد اروند

از ابتدای تشکیل مناطق آزاد در ایران تاکنون، مهم‌ترین مزیتی که سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی این مناطق به آن دلخوش بودند، معافیت مالیاتی بود که به لطف مجلس شورای اسلامی، قریب به ۲سال است که معافیت مالیات بر ارزش افزوده در این مناطق حذف گردیده و تاسف‌بار این‌که با پیشنهاد دولت محترم در برنامه هفتم توسعه کشور، سرنوشت معافیت ۲۰ساله مالیاتی نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و ممکن است این مشوق نیز به زودی از سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی مناطق آزاد سلب شود! مشوقی که می‌توانست سرمایه‌گذاران را قانع کند تا در هر مناطق آزادی که هستند، بمانند و باعث اشتغال‌زایی و رونق و آبادانی آن منطقه و به‌تبع آن کل کشور شوند.

باید اذعان داشت، در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای مخالفت و از بین بردن مناطق آزاد در کشور صورت گرفته و این مشکل عظیمی است که فعالین اقتصادی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. یکی از همین مشکلات، پیشنهاد حذف و یا کاهش مدت زمان و شکل معافیت مالیاتی در این مناطق می‌باشد. البته که پیش از این نیز به کرات تیرهای نمایندگان و مسئولان دولتی به مناطق آزاد اصابت کرده است؛ از کاهش اختیارات دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با قرار گرفتن ذیل وزارت امور اقتصادی و دارایی تا عدم اجرای قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و ملزم کردن فعالین اقتصادی مناطق به ثبت سفارش و حذف مشوق‌های گمرکی و...؛ که نتیجه همه این اقدامات در یک کلام فرار سرمایه‌گذاران و از بین رفت هسته اصلی شکل‌گیری مناطق آزاد کشور است!

با وجود آن‌که در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد بر معافیت مالیاتی ۲۰ساله این مناطق تصریح شده است، اما باز هم فعالین اقتصادی مناطق آزاد را ملزم به ارائه اظهارنامه سفید به بهانه اینکه نیاز نیست مالیات بدهند، کردند. اما پس از ارائه این اظهارنامه، اکثر فعالین اقتصادی جریمه شده و مالیات‌های سنگین برایشان وضع شد؛ لذا معافیت مالیاتی مناطق آزاد این‌گونه کان‌لم‌یکن شد.

باید به این موضوع به درستی اندیشید که اگر فشارهای مالیاتی را اعمال کنیم و معافیت‌های مالیاتی را حذف نماییم، طبیعتا فرار سرمایه و سرمایه‌گذار از این مناطق شکل می‌گیرد، که این اتفاق بزرگ و بسیار تلخی برای مناطق آزاد و همچنین اقتصاد کشور است.

فعالین اقتصادی با عنایت به مزیت‌های خاص در کنار معافیت مالیاتی ۲۰ساله، سرمایه‌گذاری خود را در مناطق آزاد آغاز کردند. اما شاهد هستیم که در کشورهای همسایه، معافیت‌های مالیاتی وسوسه کننده به سرمایه‌گذاران ارائه می‌دهند، ضمن اینکه کشورهایی هم در همسایگی وجود دارند که این مزیت (معافیت) را به صورت مادام‌العمر در اختیار سرمایه‌گذاران خود قرار می‌دهند؛ ولی در مناطق آزاد ایران تنها مشوقی که به آن دلخوش و امیدوار بودیم، همین معافیت مالیاتی بیست ساله بود که درحال حاضر پیشنهاد حذف آن را مطرح کرده‌اند! ما می‌توانستیم در جنگ اقتصادی فعلی، تحریم‌ها را با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مناطق آزاد در ایران کم‌رنگ کنیم. اکنون تمام معافیت‌های مالیاتی و مزیت‌های مناطق آزاد و دلگرمی‌های سرمایه‌گذاران یکی پس از دیگری درحال از بین رفتن است؛ اگر حذف معافیت مالیاتی در این مناطق صورت گیرد، دیگر چه تفاوتی با سرزمین اصلی وجود دارد؟!

فعالین اقتصادی با مشکلات و دردسرهای رفت و آمد میان مناطق آزاد و سرزمین اصلی روبه‌رو هستند؛ از هزینه‌هایی که متحمل می‌شوند تا افزایش قیمت مصالح و مواد غذایی و نرخ کرایه‌ها و...؛ لذا هر فعال اقتصادی با حذف امتیازها، دیگر برای فعالیت به مناطق آزاد نمی‌آید، بلکه به شهری می‌رود که اسم مناطق آزاد روی آن نباشد؛ این درحالی است که در مقایسه با ایران، کشورهایی هستند که فرش قرمز برای سرمایه‌گذاران ایرانی پهن کرده و با آغوش باز از آنان استقبال می‌کنند تا امارات دیگری در نزدیکی ایران ساخته شود. اگر با همین رویکرد و روش مسئولان دولتی پیش برویم، مطمئن باشیم سرمایه‌گذاران ایرانی فرار می‌کنند و قطعا جایی که سرمایه‌گذار ایرانی ورود کند، آنجا گلستان می‌شود؛ آن موقع انگشت به دهان می‌مانیم و حسرت می‌خوریم که چرا به فعالین اقتصادی سخت گرفتیم!

بی‌تردید با خروج حداکثری سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی از مناطق آزاد، باید منتظر خالی شدن مرزهای استراتژیک کشور از سکنه به سبب رکود اقتصادی و ایستادن چرخ‌های تولید از حرکت باشیم و این موضوع مسلما تبعات امنیتی شدیدی را برای ایران اسلامی در پی خواهد داشت که شامل هزینه‌های سنگین حفظ و پاسداری از مرزهای کشور خواهد بود.

اکنون کشورهایی هستند که می‌خواهند با ایران رقابت داشته باشند؛ کشوری همچون امارات و عمان که درب‌های ورود خود را به روی سرمایه‌گذاران ایرانی باز کرده و چنانچه رویکرد فعلی ادامه پیدا کند، فرار سرمایه‌گذار نیز به وفور اتفاق خواهد افتاد.

بی‌شک سرمایه‌گذار در وهله اول به فکر خود و سرمایه‌ای است که در این مدت به‌دست آورده؛ بنابراین وقتی ما نمی‌توانیم سرمایه‌گذار ایرانی را حفظ نماییم، مطمئن باشیم که سرمایه‌گذار خارجی نیز هرگز جذب مناطق آزاد ما نخواهد شد و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این مناطق از کشور صرفا به صورت یک رویا و آرزو برای مسئولین و متولیان باقی خواهد ماند.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اظهار داشت:

تهیه ۶۰۰بسته سرمایه‌گذاری به ارزش ۶میلیارد یورو در مناطق آزاد

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی گفت: ۶۰۰بسته سرمایه‌گذاری به ارزش ۶میلیارد یورو (۳۲۰هزار میلیارد تومان) در مناطق آزاد تهیه شده است و آماده‌ایم که این فرصت‌ها را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهیم.

حجت‌الله عبدالملکی در مراسم ثبت جهانی ژئوپارک ارس در منطقه آزاد ارس افزود: برای بسته‌های تهیه شده مطالعات انجام، زیرساخت‌ها ایجاد و مجوزهای لازم نیز به صورت بی‌نام صادر شده است که این موضوع در کمتر نقطه‌ای از دنیا وجود دارد.

وی تاکید کرد: در مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاران فرش قرمز پهن و از آنها استقبال می‌کنیم.

مشاور رئیس‌جمهور اظهار داشت: ایران باید در زمینه تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر شناسانده شود؛ چراکه ظرفیت‌های بیکران موجود در این کشور به خوبی معرفی و شناسایی نشده است.

عبدالملکی در ادامه افزود: هزینه تولید در ایران به شدت پایین بوده و زیرساخت‌های تولید بسیار مهم در بستر و دسترسی ایران به بازار جهانی عالی است؛ اما متاسفانه هیچ‌کدام از این ظرفیت‌ها به خوبی معرفی نشده است.

وی اذعان نمود: هزینه نیروی کار در ایران یک‌پنجم متوسط جهانی، هزینه انرژی یک‌دهم، هزینه اقامت یک‌پنجم و هزینه زمین و مواد اولیه نیز بسیار پایین می‌باشد.

دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ادامه داد: شبکه زیرساخت‌های کشور نیز بسیار متنوع، قوی و مطلوب است و در ۴۴سال گذشته زیرساخت‌های عظیمی در کشور ایجاد و در این زمینه پیشرفت‌های زیادی حاصل شده؛ شبکه لجستیک بسیار قوی داریم، به‌طوری که تا دورترین نقاط کشور گسترده شده است.

عبدالملکی اظهار کرد: دسترسی ایران به بازار جهانی نیز بسیار متنوع است؛ به طور مثال ۸۵میلیون ایرانی با ۵۰۰میلیارد یورو مصرف، فرصت خوبی برای فروش محصولات به‌شمار می‌آیند و از طرف دیگر همسایگی با ۱۵کشور با ۶۰۰میلیون جمعیت و یکهزار میلیارد یورو واردات و همچنین قرار گرفتن ایران در حاشیه آب‌های آزاد، ظرفیت‌های خوبی را ایجاد کرده است که کمتر کشوری در دنیا این ویژگی‌ها را دارد.

وی عنوان کرد: چنین شرایطی در مناطق آزاد نیز حاکم است؛ چراکه درواقع مناطق آزاد بهشت سرمایه‌گذاری در جهان هستند که مشوق‌های قانونی زیادی برای آنها تعریف شده و سودآوری برای سرمایه‌گذاران بیشتر است.

مشاور رئیس‌جمهور همچنین از تهیه ۶۰۰بسته سرمایه‌گذاری به ارزش ۳۲۰هزار میلیارد تومان و ۶میلیارد یورو در مناطق آزاد خبر داد و گفت: آماده‌ایم که این فرصت‌های سرمایه‌گذاری را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهیم.

عبدالملکی به ثبت جهانی ژئوپارک ارس نیز اشاره کرد و افزود: برای این مهم ۵۰۰ساعت کار کارشناسی در طول ۱۰سال انجام شده است که باید از فرصت ایجاد شده برای ارتقاء منطقه و توسعه گردشگری بهره‌برداری نماییم.

مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در پایان خاطرنشان کرد: ایران دارای ظرفیت‌های خوبی است که نیاز به معرفی و در نهایت بهره‌برداری بهینه دارد، که متاسفانه گسست میان آنها موجب شده از مواهب این ظرفیت‌ها کمتر برخوردار شویم.

گزارش:
علی جعفری
ملیحه استاوندی

در گفت‌وگو با معاونین سازمان‌های مناطق آزاد و کارشناسان حوزه گردشگری عنوان شد:

گردشگری؛ راهبردی موثر جهت توسعه همه جانبه اجتماعی و اقتصادی در مناطق آزاد

براساس اسناد بالادستی، ایران باید در افق ۱۴۰۴ میزبان ۲۰میلیون گردشگر خارجی در سال باشد و بر طبق آمارها، سهم ایران از تعداد گردشگران جهانی باید به یک‌ونیم درصد در سال۱۴۰۴ افزایش یابد؛ سهم کشور از درآمدهای گردشگری جهانی نیز باید به ۲درصد ارتقاء یابد و همچنین پیش‌بینی شده است در سال نهایی، ما به درآمد ۲۵میلیارد دلاری از صنعت توریسم دست یابیم.
در راستای تحقق این اهداف که کمتر از ۲سال فرصت باقی مانده است؛ بی‌تردید مناطق آزاد هفتگانه کشور قادر خواهند ایفاگر نقشی بی‌بدیل بوده و این مناطق به یکی از بخش‌های مهم منابع پایدار درآمدزایی کشور بدل گردند.
نواحی مناطق آزاد ایران به علت برخورداری از جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی بسیار، غالبا مقاصد ارزشمندی برای گردشگری و گردشگران محسوب می‌شوند. وجود جاذبه‌های متنوع و جذابی ازجمله موزه‌ها، بناهای تاریخی و باستانی، پارک‌ها، مراکز تفریحی متنوع دریایی و ساحلی، مراکز خرید و اماکنی با معماری‌های باستانی که گردشگران بسیاری را با سلایق متنوع جذب می‌کند.
وجود منابع طبیعی منحصربه‌فرد در مناطق آزاد کشور و اقلیم‌های گوناگون، اختلاف درجه حرارت و بارندگی و وجود مراکز گردشگری طبیعی با ویژگی‌های خاص در این مناطق، شرایطی بسیار مناسب برای توسعه اکوتوریسم در مناطق آزاد مهیا نموده است؛ امری مهم که تحقق و گسترش آن براساس موازین علمی و استانداردهای جهانی نه‌تنها می‌تواند بهبود کیفیت منابع طبیعی موجود و جلوگیری از نابودی آن را به همراه داشته باشد، بلکه بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی و بومی مناطق آزاد که بخش جدایی‌ناپذیر از عرصه‌های منابع طبیعی را تشکیل می‌دهند نیز بسیار تاثیرگذار باشد.
یکی از مهم‌ترین موضوعات درآمدزایی در مناطق آزاد، نقش منابع مالی ناپایدار در تامین منابع مالی سازمان‌های مناطق آزاد کشور است، مانند فروش زمین، اعطای مجوز و... که در توسعه اقتصادی مناطق به منابع ناپایدار شناخته می‌شوند؛ ولی تقویت و گسترش حوزه گردشگری پایدار در این مناطق باعث افزایش درآمدهای ثابت و ایجاد منابع پایدار برای سازمان‌های مناطق آزاد کشور در درازمدت خواهد کرد.
گردشگری در چارچوب الگوهای فضایی خاص عمل می‌کند و یکی از این الگوهای مکانی و فضایی در کشور می‌تواند مناطق آزاد تعریف گردد. با بسط و گسترش گردشگری در مناطق آزاد، توسعه زیربناهای گردشگری سهم زیادی در تغییرات شکل و کارکرد نواحی این مناطق از کشور خواهد داشت و تصویر این مناطق تحت‌تاثیر انواع هتل‌ها و خدمات جانبی ارائه شده، قرار می‌گیرد و به نوعی شکلی مدرن‌تر از مناطق پیرامونی خود خواهد یافت.

مناطق آزاد ایران و اقتصاد صنعت گردشگری

پیش از هر چیزی، گردشگری یک مسئله اقتصادی است که در آن در مبادله آزاد بازدیدکننده شکل می‌گیرد و تجارت مسافرت بر پایه کنش پذیرش سرمایه‌داری در قالب فوردیسم و سودآوری را در تسخیر فضا به وسیله گردشگری به نمایش می‌گذارد؛ از این‌رو، گردشگری در فرآیند عرضه و تقاضا، جلوه‌هایی از توسعه را باز می‌نماید.
گردشگری با ارزش افزوده قابل ملاحظه درواقع در لایه‌های بالا، حرکتی اقتصادی می‌نماید که دارای فواید اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم فراوانی در محیط پیرامونی خود است.
اما خارج از این دیدگاه، هر چند گردشگری گذران اوقات فراغت را در برمی‌گیرد، ولی در اصل مصرف اوقات فراغت است که در روندی از اقتصادی شدن امر اجتماعی شکل می‌گیرد و به‌تردید گردشگری بدون کنش و واکنش مهمان و میزبان نمی‌تواند وجود داشته باشد و از آنجا که در ازای این کنش و واکنش، مبادله پول صورت می‌گیرد؛ گردشگری را نمی‌توان صرفا یک موضوع فرهنگی به حساب آورد یا آن را حرکتی غیراقتصادی دید.
رویکرد اقتصاد گردشگری در مناطق آزاد بر پایه اقتصاد آزاد و در چارچوب عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد، از این‌رو شناخت عرضه و تقاضای گردشگری، شناخت بازار را به‌دنبال دارد که راهگشای درک اقتصادی از گردشگری است. تقاضای گردشگری متجانس و یکسان نبوده و دارای الگوها و گونه‌های متفاوتی است که نشان‌دهنده گرایش اقتصادی بازار گردشگری به سوی مصرف‌کنندگان یا همان گردشگران است.
عرضه گردشگری در مناطق آزاد در برگیرنده محصول گردشگری بوده که شامل مجموعه‌ای از جاذبه‌های گردشگری، دسترسی و حمل‌ونقل، امکانات و تسهیلات زیربنایی، خدمات مهمان‌نوازی و عناصر نهادی و سازمانی است که بی‌شک مناطق آزاد با توجه به ایجاد زیرساخت‌های مطلوبی که در طول سالیان گذشته داشته‌اند، می‌توانند با درگیر کردن بخش خصوصی، شرایط رفاه و جذب گردشگر را بیش از بیش در مناطق ایجاد کنند و به نوعی هیچ تبلیغی برای جذب گردشگر، بهتر و تاثیرگذارتر از رضایت خود او نیست.
همچنین، سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری مناطق آزاد شامل توسعه قابلیت‌ها، فعالیت‌ها، محیط طبیعی و تاسیسات زیربنایی است که دارای منافعی برای ساکنان بومی منطقه است و این درحالی است که مدیریت گردشگری مناطق در راستای جذب سرمایه متحرک و فعالیت‌های مناطق باید در یک موقعیت رقابتی فرآیندی عمل نماید تا بازگشت سرمایه در چهارچوب اقتصاد گردشگری در مناطق آزاد قابل بازگشت باشد.

خلق منابع درآمدی پایدار از حوزه گردشگری مناطق آزاد

با توسعه گردشگری و بازدید گردشگران از حوزه‌های جذاب مناطق آزاد، نیاز گردشگران به بخش‌های گردشگری بیشتر می‌شود. رونق گردشگری موجب پویایی اقتصاد سایر بخش‌های مناطق می‌گردد و سود اقتصادی و درآمد حاصله از فعالیت گردشگری به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای سازمان‌های مناطق آزاد قابل بررسی می‌باشد.
رشد اقتصادی که خود ناشی از سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری در مناطق است، در آینده می‌تواند ایجاد درآمد و اشتغال پایدار نماید و به لحاظ اقتصادی درآمد حاصل از گردشگری خارجی و حتی داخلی برای هر کشوری در حکم صادرات قلمداد می‌شود.
بی‌شک توسعه اقتصادی مناطق و ایجاد منابع درآمدی پایدار، همواره از دغدغه‌های مدیران سازمان‌های مناطق آزاد کشور بوده است که تحقق بسیاری از انتظارات و مطالبات سازمان‌ها و مراکز هزینه‌کرد، به آن وابسته است.
امروزه شهرها و مناطق موفق که نامشان به عنوان یک مقصد گردشگری مطرح می‌شود، بخش مهمی از اقتصادشان را از محل فرصت‌های جذب و ساماندهی اشتغال و مسائل مربوط به گردشگری اداره می‌کنند و از آنجایی که روش‌های سنتی درآمدزایی در مناطق، پاسخگوی هزینه‌های فزاینده اداره مناطق نیست، گردشگری توانسته است به عنوان صنعتی اشتغال‌زا، درآمدزا و منبع درآمدی پایدار توجه مدیران را به خود جلب کند.
مدیران سازمان‌های مناطق آزاد می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی در جهت توسعه زیرساخت‌های مناطق از قبیل شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، تاسیسات و تجهیزات شهری، توسعه فضاهای تفریحی و فراغتی و برنامه‌ریزی برای زیرساخت‌های خدماتی در سطح قابل‌قبول گردشگران، در رشد حوزه گردشگری در مناطق متبوع خود تاثیر بسزایی داشته باشند.

پیشنهاداتی جهت رونق گردشگری مناطق آزاد

◆ تاکید بر برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خدماتی به گردشگران به صورت مستمر، نه فقط در زمان‌های خاص از سال با همکاری بخش‌های مختلف مدیریت اجرایی مناطق آزاد و وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و کارشناسان صاحب‌نظر در حوزه گردشگری.
◆ تاسیس و بازسازی مجموعه‌های گردشگری، تفریحی در حوزه مناطق آزاد و محدوده‌های آن با مشارکت بخش خصوصی و یا سرمایه‌گذاری مستقیم سازمان‌ها.
◆ برپایی نمایشگاه‌های متنوع، جشنواره‌ها، همایش‌های ملی و بین‌المللی و استفاده از فرصت‌های مناسب و نیز استفاده بهینه در زمان برگزاری این فعالیت‌ها برای معرفی جاذبه‌های گردشگری منطقه.
◆ ارائه نیازمندی‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خدماتی به گردشگران در قالب شیوه‌های متنوع اطلاع‌رسانی نوین.
◆ تقویت مشارکت بخش خصوصی و مجامع محلی در جهت رشد بخش‌های مختلف گردشگری مناطق آزاد و جلوگیری از عدم انحصاری بودن این بخش‌ها در دست افراد و شرکت‌های خاص در مناطق آزاد.
◆ ایجاد بسترهای لازم برای رفع نیازهای تفریحی و فراغتی گردشگران مناطق ازجمله فضای سبز، بوستان‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید، تفریحات دریایی و... در نقاط مختلف منطقه‌ای در مناطق آزاد.
◆ احیاء و بازسازی جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی موجود در مناطق آزاد و توسعه همه‌جانبه میراث تاریخی این مناطق.
◆ توسعه و گسترش فضاهای مدرن همچون مراکز فرهنگی، تئاتر، سینماها، کنسرت‌ها (ملی، منطقه‌ای و محلی)، تلفیق و ترکیب سنت و مدرنیته در حوزه‌های بازسازی فضاهای گردشگری در مناطق.
◆ ایجاد فعالیت‌های تفریحی و فراغتی، مهیج، پویا و انعطافی با برنامه‌ریزی‌های مدرن و به‌روز در جهت جذب گردشگر.
◆ تربیت نیروی متخصص در جهت بهره‌برداری تورهای گردشگری مناطق آزاد، راهنمایان تورها در حوزه معرفی جاذبه‌های گردشگری در مناطق به گردشگران.
◆ ایجاد تغییر نگرش در جوامع محلی نسبت به گردشگران برای جذب پایدار توریسم در مناطق آزاد.
◆ ایجاد راهکارهای مناسب برای تقویت حل مشکلات گردشگری و کنترل معظلات (تخریب فضای سبز، عدم امنیت گردشگر، نحوه ارائه خدمات به توریسم، حمل‌ونقل داخلی و خارجی به گردشگران و...).
◆ رفع ناهماهنگی‌ها در جهت ارائه خدمات و برنامه‌ریزی‌های متنوع به گردشگران و مسئول بودن تمام نهادهای متولی نسبت به ایجاد هرگونه مشکل و تلاش همه‌جانبه برای حل مشکلات و مسائل گردشگران در مناطق آزاد.
◆ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی تمام واحدهای موثر در این حوزه برای ارائه هرگونه خدمات مناسب به گردشگران در جهت توسعه پایدار توریسم در مناطق آزاد.
◆ طراحی سایت‌های گردشگری مجازی، معرفی ظرفیت‌های گردشگری در رسانه‌های اختصاصی در جهت ترغیب گردشگران و تبلیغات وسیع و جهت معرفی ظرفیت‌های گردشگری مناطق آزاد در حوزه‌های مختلف.
◆ حمایت از مشارکت بخش خصوصی، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بومی در قالب ارائه دستاوردها و فعالیت‌های فرهنگی محلی به گردشگران در مناطق آزاد.

جان کلام

در قرن حاضر گردش مالی صنعت گردشگری جهان از گردش مالی بخش‌های دیگر فراتر رفته است که این روند می‌تواند افق‌های روشن و جدیدی را در جهت جذب منابع مالی گسترده برای مناطق آزاد و توسعه پایدار آنها فراهم نماید.
توسعه صنعت گردشگری در نقاط مختلف دنیا، نقش موثری در کاهش بیکاری و بهبود توزیع درآمد دارد، تا جایی که در برنامه‌ریزی و مدیریت جهان، سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفته و جایگزین درآمدهای ناشی از ساخت و ساز و فروش زمین شده است.
این اصل اقتصادی در دنیای امروز پذیرفته شده است که گردشگری عامل مهم توسعه اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال است و از صنایعی است که از لحاظ درآمدزایی و اشتغال‌زایی بسیار قابل‌توجه می‌باشد.
فعالیت در این صنعت در صورت برخورد مدبرانه و برنامه‌ریزی مناسب، موجب تعامل و رشد فرهنگ‌ها نیز شده و به بازشناسی هویت تاریخی و اجتماعی نیز در مناطق آزاد منجر خواهد شد.
مناطق آزاد ایران با برخورداری از آثار تاریخی، فرهنگی، طبیعت جذاب و تنوع شرایط اقلیمی، از مراکز مهم گردشگری در کشور محسوب شوند و برای ایجاد توسعه پایدار و جایگزینی منابع جدید با هدف کسب درآمد به جای منابع سازمانی، نیازمند استفاده از تمام توان و قابلیت‌های منطقه در حوزه توسعه گردشگری هستند و در این راستا سرمایه‌گذاری مناسب در بخش گردشگری مناطق توسط مدیران و تلاش برای ساخت و ایجاد زیربنا و روبناهای این صنعت هم از طریق سرمایه‌گذاری سازمان‌ها، هم بخش خصوصی و هم جوامع محلی، تبلیغات رسانه‌ای، قوانین منعطف، ایجاد فرهنگ توریست‌پذیری و منابع انسانی متخصص ازجمله مولفه‌های موثر در افزایش آمار گردشگری مناطق آزاد خواهد بود.
توجه به توسعه و رونق گردشگری موجب ارتقای اقتصاد مناطق آزاد، ایجاد منابع درآمدی مستقیم برای سازمان، کمک به گردش اقتصادی در بخش‌های مختلف سازمان، کمک به رفاه و عدالت اجتماعی میان جوامع محلی و شهروندان مناطق آزاد و زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی شهروندان مناطق است.
مناطق آزاد با تاکید بر توسعه فعالیت‌های عمران گردشگری، نوسازی بافت‌های تاریخی و دیدنی و بازسازی فضاهای تفریحی در این حوزه از طریق ارائه تسهیلات مناسب، کمک فراوانی به توسعه پایدار و نیز افزایش درآمد سازمان‌ها خواهند کرد.
اعمال مدیریت واحد برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از قابلیت‌های گردشگری مناطق آزاد، مسئله‌ای است که نباید از آن غافل باشیم و بدون شک درآمدی که از توسعه گردشگری نصیب سازمان‌های مناطق آزاد می‌شود، قابل اتکا است و اشتغال‌زایی بالای این حوزه، گردش اقتصادی مطلوبی را به‌دنبال دارد که بسیاری از سازمان‌ها موفق در زمینه درآمد پایدار از آن بهره می‌برند.
در این ادامه این گزارش، در گفت‌وگو با معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ماکو و همچنین یکی از کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه گردشگری کشور به بررسی بخش گردشگری مناطق آزاد پرداختیم که در ذیل ملاحظه می‌فرمایید.

بهنام امیریان، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ماکو:

ضعف مدیریتی و بازاریابی گردشگری؛ مهم‌ترین چالش حوزه گردشگری در مناطق آزاد

بهنام امیریان معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ماکو در گفت‌وگو با نشریه، ظرفیت‌های گردشگری مناطق آزاد کشور به‌ویژه منطقه آزاد ماکو را برشمرد و حوزه گردشگری را یکی از مهم‌ترین ابزار توسعه در این مناطق عنوان کرد.
وی ضمن بیان گونه‌های مختلف گردشگری در مناطق آزاد، موانع و معضلات توسعه این صنعت را نام برد و تاکید کرد: از مهم‌ترین عواملی که به عنوان چالش در توسعه گردشگری مناطق آزاد موردتوجه است، می‌توان به ضعف مدیریت و بازاریابی گردشگری، عدم مشارکت جامعه محلی، بی‌توجهی به گردشگری فرهنگی، ضعف اطلاع‌رسانی و تبلیغات، بی‌توجهی به زیرساخت‌های خدماتی، فقدان دیپلماسی عمومی و... اشاره نمود.
امیریان در پاسخ به این سوال که از نظر توسعه زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری، مناطق آزاد در چه سطحی قرار دارند، بیان داشت: تقریبا همه مناطق آزاد در ایران به‌دنبال کسب حداکثری منافع از حوزه گردشگری هستند. اما آن موضوعی که واضح و مشخص است، اینکه همه مناطق آزاد سهم برابری از سفره بزرگ گردشگری نداشته و به لحاظ بهره‌گیری از گردشگری با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت عمدتا در زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری ازجمله تاسیسات اقامتی و پذیرایی، سیستم‌های حمل‌ونقل، رزرواسیون و... قابل مشاهده است؛ به‌طوری که در برخی از مناطق آزاد ازجمله مناطق آزاد کیش، زیرساخت های مناسبی برای توسعه گردشگری فراهم است؛ اما در برخی از مناطق آزاد ازجمله منطقه آزاد ماکو، زیرساخت‌های گردشگری در دست تکامل می‌باشد؛ که متناسب با تکمیل زیرساخت‌ها، نقش گردشگری در توسعه منطقه نمود بیشتری می‌یابد. اما در کل می‌توان اذعان داشت که مناطق آزاد از زیرساخت‌های نسبتا مطلوبی جهت توسعه گردشگری برخوردار هستند.
معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ماکو درخصوص اقدامات منطقه آزاد متبوع خود از نظر تبلیغات و برندسازی در حوزه گردشگری گفت: تبلیغات و برندسازی منجر به آگاهی، شناخت و اعتماد می‌شود. در برندسازی گردشگری خود، به‌دنبال ایجاد تصویری منحصربه‌فرد از ماکو در ذهن گردشگران هستیم. در این راستا با برنامه‌ریزی برای حضور در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی گردشگری، تهیه برنامه‌های تبلیغاتی جهت پخش از شبکه‌های پر مخاطب (به‌ویژه شبکه جهانی جام‌جم) و همچنین برگزاری رویدادهای ویژه که متاثر از پتانسیل‌های منحصربه‌فرد گردشگری منطقه آزاد ماکو است، اقدام به روایت و معرفی منطقه آزاد ماکو به عنوان مقصد گردشگری برای مخاطبان خود می‌کنیم.
وی درخصوص اقدامات انجام گرفته در جهت افزایش سهم جامعه محلی، توانمندسازی آنها برای فعالیت در حوزه گردشگری و توزیع عادلانه ثروت در این بخش اظهار کرد: با توجه به اینکه توانمندسازی جامعه محلی و افزایش سهم آنها در گردشگری برای تضمین موفقیت و توسعه گردشگری امری اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا ما نیز در سازمان منطقه آزاد ماکو با اصل قرار دادن این مهم، اقدام به راه‌اندازی سامانه ایده برای دریافت ایده‌ها و برنامه‌های قشرهای مختلف در حوزه‌های مختلف توسعه به‌ویژه حوزه گردشگری و جلب و جذب مشارکت جامعه محلی در برنامه‌های توسعه گردیم.
همچنین، با لحاظ این مهم که توانمندسازی، بالاترین پله نردبان مشارکت جامعه محلی محسوب می‌شود و می‌تواند نگرش افراد را نسبت به اثرات مثبت و منفی گردشگری تحت‌تاثیر قرار دهد؛ اقدام به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حوزه‌های مختلف برای جامعه محلی و همچنین فعالین این حوزه طی سال‌های گذشته کرده‌ایم.
امیریان در ادامه ظرفیت‌های منطقه آزاد ماکو را در حوزه جذب گردشگری خارجی برشمرد و گفت: منطقه ماکو با توجه به دارا بودن موقعیتی استراتژیک و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل ازجمله آثار تاریخی متنوع، آب‌وهوای مناسب و مطبوع، جاذبه‌های ویژه برای توسعه گردشگری ورزشی (ازجمله ورزش‌های هوایی، ورزش‌های زمستانی، صخره‌نوردی و...) و برگزاری رویدادهای مختلف و... استعدادهای آشکار و نهانی را در جذب گردشگران خارجی و توسعه گردشگری و تبدیل شدن به یک قطب گردشگری را دارا می‌باشد. می‌توان گفت هم‌اکنون در منطقه آزاد ماکو امکانات و نیازهای اولیه مربوط به گردشگری فراهم شده است. اما امکانات و خدمات با چیزی نیست که با تکیه بر آن بتوان انتظار جذب گردشگران خارجی در سطحی گسترده را داشت و بالطبع در این زمینه باید توانایی‌ها، امکانات و تسهیلات خود را بسیار بالاتر از آنچه که امروز هست، افزایش دهیم.
معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ماکو در پاسخ به این سوال که برای رونق گردشگری خارجی، بازارهای هدف ماکو کدام کشورها هستند، گفت: همان‌طور که گفته شد، منطقه آزاد ماکو به دلیل موقعیت استراتژیک و با دارا بودن پتانسیل‌های مختلف و متنوع، قابلیت جذب گردشگران داخلی و خارجی را دارا می باشد. درخصوص گردشگران خارجی اولویت اصلی منطقه آزاد ماکو بازار کشورهای همسایه ازجمله ترکیه و آذربایجان می‌باشد.

محمدی در پاسخ به این سوال که مناطق آزاد ایران در قالب چه راهبردی می‌توانند در حوزه گردشگری ایفای نقش کنند، گفت: مناطق آزاد ایران می‌توانند با فراهم کردن شرایط مناسب، به عنوان یکی از مقاصد گردشگری مورد علاقه برای گردشگران داخلی و خارجی عمل کنند. برای این منظور، می‌توان از راهبردهای مختلفی استفاده کرد، ازجمله فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای گردشگری، مانند ایجاد فرودگاه‌ها، بنادر و ایستگاه‌های راه‌آهن در مناطق آزاد. ارائه تسهیلات مالی و مالیاتی برای سرمایه‌گذاران و کسب و کارهای حوزه گردشگری در مناطق آزاد، به‌طوری که این کسب و کارها بتوانند با هزینه کمتری فعالیت خود را ادامه دهند و در نتیجه برای گردشگران قیمت مناسب‌تری ارائه دهند. ایجاد امکانات متنوع برای گردشگران ازجمله اقامتگاه‌های بوم‌گردی، رستوران‌های محلی و فروشگاه‌های صنایع‌دستی. توسعه موارد خاص گردشگری مانند گردشگری طبیعت‌گردی، گردشگری تاریخی و فرهنگی، گردشگری ورزشی و گردشگری درمانی. ارتقای سطح امنیت و ایمنی در مناطق آزاد، به‌طوری که گردشگران بتوانند با آرامش و اطمینان بیشتری به این مناطق سفر کنند و استفاده از این راهبردها و دیگر راهکارهایی که متناسب با شرایط مناطق آزاد قابل اجرا باشند، می‌تواند موجب خلق فرصت‌های بسیاری در حوزه گردشگری در مناطق آزاد ایران شود.
این کارشناس درخصوص اینکه چه گونه‌هایی از گردشگری می‌توانند در مناطق آزاد رونق پیدا کنند بیان داشت: مناطق آزاد ایران با توجه به ویژگی‌های خاص و شرایط قانونی و اقتصادی منحصربه‌فرد، می‌توانند برای انواع مختلفی از گردشگری جذاب باشند.
برخی از نمونه‌های گردشگری که در مناطق آزاد می‌تواند رونق پیدا کند، عبارتند از:
◆ **گردشگری تاریخی و فرهنگی:** مناطق آزاد ایران دارای تاریخ و فرهنگ غنی هستند و می‌توانند به عنوان مقاصد گردشگری تاریخی و فرهنگی جذاب عمل کنند. این مناطق شامل شهرها، بازارها، قلعه‌ها، مساجد و باغ‌های تاریخی مختلف هستند.
◆ **گردشگری طبیعت‌گردی:** مناطق آزاد ایران به دلیل وجود مناظر طبیعی زیبا همچون کوهستان‌ها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها، مراتع و غارها، به عنوان مقاصد گردشگری طبیعت‌گردی جذاب عمل کنند.
◆ **گردشگری ورزشی:** وجود فضاهای مناسب برای ورزش‌های آبی، اسکی و بورد، پاراگلایدر، پوشش برفی و استوبرد در مناطق آزاد؛ این مناطق را به یک مقصد گردشگری ورزشی جذاب تبدیل می‌کند.
◆ **گردشگری درمانی:** برخی مناطق آزاد ایران از آب‌های گرم و معدنی و غارهای نمکی برخوردار هستند که می‌توانند به عنوان مقصد گردشگری درمانی جذاب باشند.
◆ **گردشگری خرید:** مناطق آزاد ایران به دلیل وجود بازارهای بزرگ و مراکز خرید سنتی و مدرن، به عنوان مقصد گردشگری خرید نیز جذاب هستند.
◆ **جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی:** ایران کشوری با تاریخ و فرهنگ بسیار غنی است و مناطق آزاد نیز جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند که می‌تواند جذابیت بسیاری برای گردشگران خارجی داشته باشد. برخی از مهم‌ترین جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی در مناطق آزاد عبارتند از: روستای تاریخی تیس، کلیسای سنت استپانوس، ساختمان پست و تلگراف‌خانه، ساختمان گمرک و...
◆ **جاذبه‌های طبیعی:** مناطق آزاد ایران با طبیعتی فوق‌العاده زیبا و گوناگون، ازجمله مقاصد گردشگری خارجی محسوب می‌شوند. برخی از این جاذبه‌های طبیعی عبارتند از: کوه‌های مریخی، اسکله بریس، جنگل حرا گواتر و قشم، ساحل پزم، ساحل درک، تنگه چاهکوه، جزیره هنگام و...
◆ **امکانات ورزشی و تفریحی:** مناطق آزاد امکانات ورزشی و تفریحی بسیاری دارند که می‌تواند جذابیت زیادی برای گردشگران خارجی داشته باشد. برخی از این امکانات عبارتند از: ورزش‌های آبی، ورزش‌های هوایی، گردش با قایق، ماهیگیری، تورهای چشمانی و...
◆ **اقتصادی و تجاری:** مناطق آزاد کشور به عنوان مناطقی با اقتصادی پویا و بازار جذاب، می‌تواند برای گردشگران خارجی که به‌دنبال فرصت‌های تجاری هستند جذاب باشد.
می‌توان نتیجه گرفت، مناطق آزاد ایران با توجه به ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای که در حوزه گردشگری دارند، می‌توانند مقصدی جذاب برای گردشگران خارجی باشند. اما برای جذب گردشگران خارجی، نیاز به توسعه زیرساخت‌های گردشگری، افزایش کیفیت خدمات گردشگری، ترویج و تبلیغات و سایر اقدامات مرتبط با فعالیت‌های گردشگری و رشد صنعت گردشگری در این مناطق وجود دارد.
برای بازارهای هدف برای رونق گردشگری خارجی در مناطق آزاد با برشمرد و گفت: هدف اصلی مناطق آزاد ایران، جذب گردشگران بین‌المللی است و در طراحی برنامه‌های جذب گردشگری، برخی کشورهای مشخص هستند که به عنوان بازارهای هدف مطرح هستند. برخی از این کشورها عبارتند از:
◆ **کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و دریای عمان:** کشورهایی همچون عمان، قطر، امارات متحده عربی و کویت، پاکستان و هندوستان به عنوان کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و دریای عمان، با توجه به ارتباطات نزدیک جغرافیایی و فرهنگی، همواره از بازارهای هدف برای جذب گردشگران به مناطق آزاد ایران بوده‌اند.
◆ **کشورهای اروپایی:** کشورهایی همچون آلمان، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا، به دلیل علاقه زیاد به فرهنگ و تاریخ ایران، بازارهای هدف برای جذب گردشگران خارجی به مناطق آزاد ایران محسوب می‌شوند.
◆ **کشورهای آسیایی:** کشورهایی همچون چین، هند، روسیه و کره جنوبی، به عنوان کشورهایی با بازار بسیار بزرگ برای گردشگری، همواره در لیست بازارهای هدف برای جذب گردشگران به مناطق آزاد ایران قرار دارند.

محمد محمدی، کارشناس حوزه گردشگری:

برنامه‌های توسعه گردشگری در مناطق آزاد شناسایی و اجرا نشوند

و اما، محمد محمدی کارشناس حوزه گردشگری نیز در گفت‌وگو با نشریه، راهبردهای مناطق آزاد برای توسعه بخش توریسم را بیان نمود و تامین زیرساخت‌های مناسب برای گردشگری را لازمه توسعه این صنعت معرفی کرد.
وی مضلات مناطق آزاد را در حوزه گردشگری نام برد و تاکید کرد: به منظور رفع این مشکلات، لازم است که برنامه‌های مناسبی برای توسعه گردشگری در مناطق آزاد ایران شناسایی و اجرا شوند. طبق گفته این کارشناس؛ این برنامه‌ها باید شامل توسعه زیرساخت‌های گردشگری، توسعه تسهیلات، حفاظت از محیط‌زیست، تهیه محتوای تبلیغاتی و معرفی جاذبه‌های گردشگری، ایجاد امنیت و ایمنی برای گردشگران و توسعه اقتصادی منطقه باشند.
محمدی در رابطه با اینکه از نظر توسعه زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری، مناطق آزاد در چه سطحی قرار دارند، گفت: توسعه زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری در مناطق آزاد ایران از یک‌سو به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد و شرایط اقتصادی مطلوب، شامل توسعه زیرساخت‌های گردشگری و ایجاد تسهیلات برای گردشگران، در مقایسه با سایر نواحی کشور، به یک سطح بالاتر دست یافته است. از سوی دیگر، باز هم توسعه زیرساخت‌های گردشگری در برخی مناطق آزاد همچنان به چالش‌هایی مانند محدودیت‌های بودجه، نبود اولویت‌های درست و تعامل بین بخش خصوصی و دولتی برای توسعه گردشگری برمی‌خورد.
این کارشناس تصریح کرد: اما به طور کلی، در سال‌های اخیر برای توسعه زیرساخت‌های گردشگری، در مناطق آزاد ایران پروژه‌های مختلفی همچون ساخت فرودگاه‌های بزرگ، توسعه بنادر، احداث هتل‌های بزرگ، تنظیم تورهای گردشگری، توسعه بخش خدماتی و غذایی و توسعه فضاهای سبز و ایجاد فضاهای تفریحی انجام شده است. همچنین به دلیل وجود محدودیت‌های قانونی کمتر در مناطق آزاد می‌توان به‌راحتی از فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گردشگری استفاده کرد. بنابراین، با توجه به تلاش‌هایی که در جهت توسعه زیرساخت‌های گردشگری در مناطق آزاد انجام شده است، می‌توان گفت که در برخی مناطق آزاد ایران شاهد رشد و توسعه بخش گردشگری هستیم، اما هنوز نیاز به استفاده از پتانسیل‌های بیشتر برای توسعه گردشگری در این مناطق وجود دارد.
وی درخصوص اینکه از نظر تبلیغاتی و برندسازی در مناطق آزاد چه اقداماتی انجام شده است، عنوان کرد: مناطق آزاد ایران در سال‌های اخیر در جهت تبلیغاتی و برندسازی خود، اقدامات متعددی را انجام داده‌اند. به عنوان مثال، در منطقه آزاد چابهار به منظور تبلیغات و جذب گردشگر، مراسم بین‌المللی فروشگاهی و نمایشگاهی بین‌المللی برگزار شده است. این رویداد، فرصت خوبی برای تبلیغات و ارائه محصولات و خدمات مختلف در زمینه گردشگری، صنعت و فناوری در منطقه آزاد چابهار بوده است. همچنین، در منطقه آزاد قشم تلاش‌هایی برای برندسازی این منطقه و جذب گردشگران برای تجربه این جزیره زیبا و دیدنی صورت گرفته است؛ این تلاش‌ها شامل توسعه تسهیلات گردشگری، توسعه فضاهای سبز، تنظیم تورهای گردشگری، ایجاد امکانات برای ورزش‌های آبی و ایجاد مراکز خرید و تفریحی مختلف است. علاوه‌بر این، در منطقه آزاد کیش نیز تلاش‌هایی در جهت تبلیغاتی و برندسازی این منطقه صورت گرفته است. برای مثال، کیش به عنوان یکی از مقاصد گردشگری مهم در خلیج‌فارس شناخته شده و در راستای تبلیغات و برندسازی این منطقه، رویدادهایی همچون جشنواره بین‌المللی هواپیمایی‌های خارجی، نمایشگاه‌های گردشگری و همچنین برگزاری مسابقات ورزشی بین‌المللی در این منطقه برگزار شده است. بنابراین می‌توان گفت که مناطق آزاد در جهت تبلیغاتی و برندسازی خود، تلاش‌هایی را انجام داده‌اند و در برخی موارد موفق به جذب گردشگران و توسعه گردشگری شده‌اند؛ اما همچنان نیاز به تلاش‌های بیشتر در این زمینه وجود دارد.
محمدی اقدامات انجام گرفته در مناطق آزاد جهت توانمندسازی جامعه محلی را برشمرد و بیان کرد: با توجه به اهمیت توانمندسازی جامعه محلی برای توسعه گردشگری و توزیع عادلانه ثروت در این بخش، مناطق آزاد در سال‌های اخیر اقدامات متعددی را در این زمینه انجام داده‌اند. برخی از این اقدامات عبارتند از:
◆ **ایجاد اشتغال:** مناطق آزاد با ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه‌های گردشگری، برای جامعه محلی فرصت‌های شغلی ایجاد کرده‌اند و در نتیجه توانمندسازی اقتصادی آنها افزایش یافته است.
◆ **آموزش و پرورش:** مناطق آزاد با ارائه دوره‌های آموزشی مرتبط با حوزه‌های گردشگری و صنایع‌دستی به جامعه محلی، امکانات و فرصت‌هایی برای یادگیری و توسعه مهارت‌های لازم در این حوزه را فراهم کرده‌اند.
◆ **توسعه مشارکتی:** مناطق آزاد با توجه به اهمیت مشارکت جامعه محلی در فرآیند توسعه گردشگری، سعی در جذب نظرات و پیشنهادات آنها دارند و در نتیجه توانمندی جامعه محلی برای مشارکت در این فرآیند افزایش می‌یابد.
◆ **توسعه محلی:** مناطق آزاد با توجه به اهمیت توسعه محلی و ایجاد تعامل میان گردشگران و جامعه محلی، سعی در ایجاد امکانات و فضاهایی برای نمایش فرهنگ و سنت‌های محلی، ترویج محصولات محلی و توسعه صنایع‌دستی محلی دارند، که این امر می‌تواند منجر به افزایش سهم جامعه محلی در این بخش شود. می‌توان عنوان کرد که مناط

اخبار مناطق آزاد

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو اظهار کرد:

نگاهی جدید و رویکردی تازه جهت شکوفایی مناطق آزاد در سال جاری

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو گفت: این شرکت با مشارکت بخش خصوصی در حوزه‌های لجستیک، تولید، تجارت، گردشگری در چند سال اخیر رشد۲۶۰درصدی در سودآوری سرمایه‌گذاری را محقق کرده و درحال حاضر نیز مقدمات جذب سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فناوری اطلاعات، کشاورزی، خدمات و صادرات آن فراهم شده است.

ابراهیم جلیلی با اشاره به اینکه منطقه آزاد ماکو به عنوان پهناورترین و بزرگترین منطقه آزاد کشور، ظرفیت‌های بالایی درخصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دارد اظهار داشت: منطقه آزاد ماکو با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک آن، دروازه اروپا، اقتصادی‌ترین مسیر ترانزیتی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را داشته و نقش کلیدی در توسعه روابط اقتصادی با همسایگان دارد.

وی ادامه داد: همچنین منطقه ازاد ماکو می‌تواند در بازار ۵۰میلیونی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو اکو در صورت تصویب به عنوان منطقه آزاد مشترک، جزو اقتصادی‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین مناطق محسوب گردد. لذا با توجه به رویکرد جدید دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ماکو؛ فرصت‌های سرمایه‌گذاری با نگاهی نو برای توسعه و رشد تولید و خدمات در این منطقه آزاد تهیه شده است و در این راستا بیش از ۵۰بسته سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ماکو در نمایشگاه ایران اکسپو۲۰۲۳ رونمایی و ارائه شد.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو افزود: همچنین در منطقه آزاد ماکو اتاق تسهیل سرمایه‌گذاری راه‌اندازی شده است. در این اتاق طرح‌های مختلفی با در نظر گرفتن محورهای کسب‌وکار در این منطقه در حوزه‌های لجستیک و حمل‌ونقل، کشاورزی و دامپروری، صنعت، معدن، گردشگری، بازرگانی و خدماتی و اقتصاد دیجیتال جهت معرفی به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به حضور در این منطقه آزاد آماده شده است.

جلیلی اظهار داشت: منطقه آزاد ماکو با عنایت به موقعیت ژئواستراتژیک خود و نیز به عنوان فصل مشترک اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو اکو، می‌تواند با وسعت بزرگ خود، نه تنها به عنوان منطقه آزاد مشترک کشورهای یاد شده ایفای نقش کند؛ بلکه می‌تواند مهم‌ترین نقش در هاب اقتصادی منطقه و نیز نقطه تلاقی کریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب را ایفا نماید. بنابراین در تلاش هستیم تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و فرهنگی، روند افزایش جذب سرمایه‌گذاری سرعت پیدا کند.

وی همچنین از برنامه‌های شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ماکو برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه جهت فعال کردن بخش خصوص گفت و افزود: با مشارکت بخش خصوصی، نسبت به ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی، ایجاد مراکز خدمات سرمایه‌گذاری تخصصی، کلینیک صنعتی، بانک ماشین‌آلات و مواد اولیه تولید، ایجاد سامانه‌های لازم برای تسهیل سرمایه‌گذاری، تولید و خدمات و همچنین اقتصاد دانش‌بنیان اقدام کرده‌ایم که معتقدیم این اقدامات، جهشی را در امر سرمایه‌گذاری و رشد تولید در منطقه رقم خواهد زد.

نقش محوری مناطق آزاد در توسعه تجارت خارجی

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو تصریح کرد: توسعه تجارت خارجی ازجمله توسعه روابط اقتصادی با کشور همسایه نیز دیگر رویکردهای این شرکت در سال جاری است. عضویت در اتاق بازرگانی مشترک ایران و ترکیه، حضور در کمیسیون‌ها و رویدادهای مشترک دو کشور ازجمله اقداماتی می‌باشد که صورت گرفته است. برگزاری نمایشگاه تولیدات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری مناطق آزاد در کشور ترکیه نیز از برنامه‌های امسال است و رویدادهای با محتوای غنی از جمله نمایشگاه، نشست‌های معرفی مناطق، جلسات B2B، برگزاری کارگاه‌های آموزشی تجارت خارجی و به‌ویژه تجارت با کشور ترکیه، عراق و آذربایجان از دیگر برنامه می‌باشد و قطب‌نماهای تجارت با این کشورها طراحی خواهد شد.

توسعه خدمات لجستیکی منطقه آزاد ماکو

جلیلی ادامه داد: تمرکز در حوزه لجستیک ازجمله توسعه خدمات انبارداری و تخلیه و بارگیری با امکانات و ماشین‌آلات مجهز، هوشمندسازی کل فرآیند لجستیک و سامانه‌های اعلام بار، ایجاد هاب کانتینری، پیگیری ایجاد کارگو و افزایش پروازهای داخلی و تاسیس خط هوایی خارجی نیز از برنامه‌های شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو می‌باشد که موجب رشد و توسعه صادرات با قیمت تمام‌شده پایین‌تر خواهد بود.

وی اظهار کرد: ما معتقدیم فعالیت‌های مناطق آزاد باید به‌گونه‌ای پویا و توانمند طراحی شود که ضمن مردمی کردن اقتصاد در منطقه، حتما اثرگذاری در اقتصاد ملی داشته باشد. مناطق آزاد می‌بایست هسته‌های توسعه کشور باشند و توسعه از این مناطق آزاد آغاز و با مشارکت بخش خصوصی به رشد و بالندگی رسیده و سپس به سرزمین اصلی تسری پیدا کند.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو اذعان داشت: البته این اتفاق بزرگ در سطح بین المللی و روابط خارجی و جذب سرمایه از کشورهای خارجی هم باید رخ بدهد.

جلیلی ادامه داد: شرکت‌های سرمایه‌گذاری باید در کنار سازمان‌های مناطق آزاد، همواره نقش و جایگاه قابل‌توجهی برای انجام پروژه‌های توسعه‌ای و ایجاد درآمد پایدار از طریق خلق ایده‌های جدید و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی، استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان سرزمین اصلی داشته باشند و ضمن تهیه بسته‌های سرمایه‌گذاری و درگاه‌های بسیار آسان برای سرمایه‌گذاری؛ با سرمایه‌گذار از مرحله ایده تا تولید محصول نیز همراه باشند.

وی افزود: تهیه بسته‌ها و معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری با برگزاری رویدادهای مختلف داخلی و خارجی، شناسایی کانون‌های سرمایه و جلب مشارکت آنها، استفاده از ظرفیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری و روش‌های مختلف تامین مالی ازجمله صندوق زمین و مسکن، صندوق پروژه و جمع‌سپاری با همکاری نهادهای مختلف مالی داخلی و خارجی و همچنین مشارکت با بیمه‌های داخلی و خارجی برای تعریف بسته‌های جدید بیمه‌ای خاص مناطق آزاد و تقویت باور سرمایه‌گذاران خارجی به امنیت پایدار، باید ازجمله استرتژی‌های فعال سازمان‌های مناطق آزاد با بهره‌مندی از بازوی اجرایی خود تحت عنوان «شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه» باشد.

رشد ۲۶۰سودآوری سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ماکو

جلیلی گفت: شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ماکو تاکنون در حوزه‌های لجستیک، تولید، تجارت، گردشگری با بخش خصوصی مشارکت نموده و در چند سال اخیر رشد و جهش قابل‌توجهی در سودآوری (۲۶۰درصد نسبت به سال‌های گذشته) داشته است. درحال حاضر نیز مقدمات جذب سرمایه‌گذار در حوزه کشاورزی خصوصا ایجاد گلخانه صنعتی و بسته‌بندی و فرآوری محصولات گلخانه‌ای، بارانداز محصولات کشاورزی، خدمات و صادرات آن، حوزه فناوری اطلاعات را فراهم می‌کند و امیدوار هستیم ضمن تامین بخشی از نیازمندی‌های داخل کشور، صادرات قابل‌توجهی از سبد محصولات صنعتی و خدماتی خود را انجام دهد.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ماکو در پایان اظهار امیدواری کرد: با انرژی تازه‌ای که در دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جاری شده و نگاه جدید که برای تمرکز در حوزه جذب سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های توسعه‌ای و تولید و صادرات شکل گرفته است، همچنین پیگیری‌های بسیار خوب و تلاش‌های مجدانه که برای بازگرداندن جذابیت‌های مناطق و رفع محدودیت‌های ایجاد شده قبلی، صورت می‌پذیرد؛ امسال سال شکوفایی مناطق آزاد باشد و شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه منطقه آزاد ماکو نیز همگام با این حرکت و هم‌نوا با سیاست‌های جدید خردمندانه سازمان منطقه آزاد ماکو، همه توان خود را برای جذب و جلب سرمایه‌های غیرمولد داخلی و خارجی برای مولدسازی و رشد تولید به‌کار خواهد گرفت.

واکاوی ظرفیت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جهت توسعه صنعتی مبتنی‌بر خوشه‌ها:

توسعه خوشه‌های صنعتی، ابزار جهانی شدن اقتصـــاد مناطـــق آزاد ایران

گزارش:
دکتر عبدالرسول خلیلی
کارشناس مناطق آزاد

در جهان امروز، توسعه خوشه‌های صنعتی نقش محوری در سیاست‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه ایفا می‌کنند. اگر رویکردهای گذشته، تمرکز بیشتری بر اقتصاد کلان و همین‌طور بنگاه‌های بزرگ داشته‌اند؛ اینک کسب‌وکار کوچک و خرد، احساس مسئولیت نسبت به افزایش قابلیت رقابت این واحدها، بهبود ارتباطات شبکه‌ای، تاکید بر حمایت‌های غیرمستقیم، ترکیب رقابت و همکاری به منظور تقویت یادگیری و نوآوری، ارتقاء سطح همکاری واحدهای کوچک و بزرگ و تقویت مثلث همکاری خوشه‌ها، دولت و دانشگاه‌ها مورد تاکید و توجه بیشتری قرار می‌گیرد.

هر قدر نگاه به حل مسائل از سطح بین‌المللی، ملی و بخشی به سمت منطقه‌ای و محلی و مبتنی‌بر قابلیت‌های پویای سیستم‌های اجتماعی شکل‌یافته بر پایه فرآیندهای طبیعی پیش می‌رود، توجه به کسب‌وکارهای متوسط، کوچک و خرد در قالب شبکه‌های ارتباطی قابل تعریف، ذیل بحث توسعه خوشه‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

بیش از یک‌دهه است که توسعه صنعتی مبتنی‌بر خوشه‌ها، به عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشورهای صنعتی و درحال توسعه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، بحث صنایع کوچک و متوسط و توسعه خوشه‌های صنعتی در داخل کشور نیز موردتوجه قرار گرفته است. هرچند به نظر می‌رسد در سطح سیاستگذاری و پیاده‌سازی الگوی توسعه خوشه‌ای، کشور همچنان نیازمند حرکت‌های بنیادی و پایه‌ای است.

خوشه صنعتی چیست؟

خوشه صنعتی به مجموعه‌ای از واحدهای کسب‌وکار گفته می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی و یک گرایش صنعتی متمرکز شده و با همکاری و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، به تولید و عرضه تعدادی کالا و خدمات می‌پردازند و از چالش‌ها و فرصت‌های مشترک برخوردارند.

عموما خوشه‌ها تعداد زیادی واحدهای اقتصادی خرد، کوچک و متوسط را در برمی‌گیرند که از نظر جغرافیایی، این واحدها می‌توانند در سطح روستا، شهر، شهرستان و استان پراکنده باشند و مناطق آزاد، ویژه اقتصادی، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان را نیز شامل شود.

بدین ترتیب، مشخصه خوشه‌های صنعتی، تمرکز جغرافیایی، همکاری در تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، تولیدات و خدمات مشترک و همین‌طور چالش‌ها و فرصت‌های مشترک است. خوشه‌های صنعتی مجموعه‌ای از بنگاه‌های تجاری و غیرتجاری متمرکز در یک مکان جغرافیایی، در یک منطقه اقتصادی را شامل می‌شود که برای تولید یک یا چند محصول نهایی مشابه و مرتبط برای کسب صرفه‌های اقتصادی بیرونی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و ضمن رقابت با هم، در بسیاری از موارد همکاری جمعی و اقدامات مشترک دارند. ارتباط درونی این بنگاه‌ها کاهش‌دهنده هزینه‌ها و تسهیل‌کننده دسترسی به نهادها، دانش و فناوری تولید، بازارهای فروش و تامین نیازهای مشترک مشتری خواهد بود.

یکی از راهکارهای اساسی که برای ساماندهی به بحث صنایع کوچک و متوسط موردتوجه قرار گرفته، تجمیع این بنگاه‌ها و سازماندهی آنها در قالب خوشه‌های صنعتی است. تمرکز تعدادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در یک حوزه جغرافیایی، موجب ایجاد مزایایی برای بنگاه‌های درون خوشه می‌شود. با تجمیع شرکت‌هایی که در زمینه‌های مشابه یا مرتبطی فعالیت می‌کنند، این شرکت‌ها می‌توانند از مزایایی از قبیل صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تنوع، انتقال دانش و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری و... برخوردار شوند.

از حدود سده‌هم پیش این الگوی منطقه‌ای سازماندهی صنایع کوچک و متوسط در نقاط مختلف جهان در رشته‌های متعدد صنعتی پیاده شده است که از نتایج آن می‌توان به جهانی شدن اقتصادهای محلی، افزایش درآمد سرانه آنها، ایجاد اشتغال و رشد و توسعه درونزای مبتنی‌بر توانمندی‌های این مناطق اشاره کرد. از دیگر مزایای این الگوی سازماندهی صنایع، هدفمند بودن، هرچه تخصصی‌تر شدن و اقتصادی‌تر بودن خدمات و پشتیبانی‌ها از صنایع مجتمع در خوشه می‌باشد.

اهمیت خوشه‌های صنعتی در توسعه پایدار کشورها موجب شده که استقرار کارگاه‌های کوچک در شهرک‌های صنعتی و اختصاص محل و زون مشخص در درون شهرک‌ها برای این کار، یکی از هدف‌های سازنده شرکت شهرک‌های صنعتی باشد که به منظور تکمیل زنجیرهای تولید و ارتقاء کیفیت محصولات با استفاده از فن‌آوری‌های جدید و دانش روز و نیز کارآفرینی با توجه به زمینه خوب و کارگاه‌های کوچک در جذب و بکارگیری متقاضیان کار، دنبال شود.

طبق بررسی‌های به عمل آمده، کارگاه‌های کوچک به دلایل مختلف ازجمله سهولت قانون کار، امکان دقت عمل بیشتر و امکان استفاده از توانمندی‌های یکدیگر، برعهده گرفتن پاره‌ای از وظایف کارخانه‌های بزرگ، امکان سهل انعطاف‌پذیری کارگاه و ماشین‌آلات و سایر موارد، امروزه مدنظر و مورد حمایت اکثر کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه است.

شکل متداول استقرار صنایع و کارگاه‌های کوچک در اغلب کشورهای صنعتی به صورت خوشه‌ای بوده و به عنوان خوشه‌های صنعتی مطرح می‌باشد. این‌گونه کارگاه‌ها با دستیابی به سازماندهی جدید توانسته‌اند با تولید محصولات بسیار کیفی و با قیمت تمام‌شده مناسب به بازار پایدار جهانی دست یابند و از این طریق در استخدام نیروهای کار و ترقی و توسعه روزافزون فن‌آوری موفق‌تر از کارخانجات بزرگ عمل کنند.

چگونگی تشکیل و رشد خوشه‌های صنعتی در مناطق آزاد و ویژه

برای شکل‌گیری تجمع‌ها و نهادهای ارتباطی و هماهنگی بین آنها، پیش‌شرط‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱) توافق کلی و اصولی بر روی اهداف اصلی مانند بالا بردن کارایی تولید، افزایش درآمد، ایجاد نوآوری و ورد به بازارهای بین‌المللی؛

۲) تجمیع شرکت‌ها و یا وجود شبکه‌ای قوی از شرکت‌های کوچک که در یک زمینه خاص و مستقل تخصص دارند؛

۳) وجود مهارت‌ها و توانایی‌های لازم؛

۴) شناخت قوی از ویژگی‌های صنعت موردنظر و تمایل به بحث و تبادل‌نظر در جهت ارتقای مهارت‌های فنی و اقتصادی در میان گروه‌های ذی‌نفع؛

۵) وجود روحیه تجاری در اشخاص؛

۶) وجود انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های کارگری؛

۷) وجود فضای قانونگذاری مناسب؛

۸) وجود موسسات علمی-کاربردی که مهارت‌های طراحی و تکنولوژیک را ارائه دهند؛

۹) نبود مانع برای ایجاد تغییرات در تولید؛

۱۰) وجود تقاضای بالا برای محصولات؛

تشکیل و گسترش خوشه‌ها معمولا از دو راه ممکن است:

۱) مکان گزینی و جابه‌جایی مجدد کل یا بخشی از فعالیت‌های یک بنگاه در خوشه به منظور بهره‌برداری از آثار خارجی خوشه‌ها؛

۲) تجمیع بنگاه‌های نوپا و جدید با ساختار همکاری افقی یا عمودی؛

این تشکیل و گسترش خود متاثر از عوامل انگیزشی استقرار بنگاه‌ها در خوشه‌ها هستند. وجود ذخیره‌ای از نیروی کار ماهر و متخصص، حضور تولیدکنندگان کالاهای واسطه‌ای، وجود بنگاه‌های پشتیبان خدمات‌دهنده، تسهیل در گردش اطلاعات و سرریزهای تکنولوژیک و نیز تسهیل در شکل‌گیری خدمات عمومی از قبیل خدمات اعتباری، بیمه‌ای، بازاریابی، حقوقی، آموزشی، مشاوره‌ای و... در یک تجمیع مکانی به نام خوشه، منجر به کاهش هزینه‌ها و تخصص‌گرایی می‌شود که تشکیل و حمایت خوشه را در اقتصاد منطقه ایجاب می‌کند.

پیامدهای توسعه صنایع در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

صنایع کوچک حداقل از چهار جنبه به اقتصاد جهانی کمک می‌کنند:

۱) کارآفرینی: صنایع کوچک با کمک به رشد روحیه کارآفرینی و ایفای نقش، عامل تغییر در اقتصاد امروز، به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کنند.

۲) نوآوری: صنایع کوچک نقش مهمی در فرآیند تغییر فناوری برعهده دارند؛ آنها منبع قابل‌توجهی از فعالیت‌های نوآوری هستند.

۳) پویایی صنعت: صنایع کوچک نقش مهمی در فرآیند تحول صنعت برعهده دارند.

٤) ایجاد فرصت‌های شغلی: صنایع کوچک در سال‌های اخیر سهم قابل ملاحظه‌ای در ایجاد شغل‌های جدید داشته‌اند. در دنیای امروز، صنایع کوچک با مشخصات ویژه خود، در موضوعاتی مختلف و مهم همچون رشد اقتصادی و حل بحران بیکاری، اثرات قابل‌توجهی دارند. در نتیجه یکی از بهترین راهکارهای ارائه شده برای حل مشکلات بنگاه‌های کوچک و توسعه صنایع کوچک و متوسط، خوشه‌سازی و تجمیع آنها در قالب خوشه است. با تجمیع این شرکت‌ها امکان استفاده از تجربیات و امکانات همدیگر، ایجاد امکانات مشترک و انجام امور به صورت اشتراکی به‌وجود می‌آید. بنابراین می‌توان گفت که خوشه‌های صنعتی در حوزه‌های مختلف بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر گذاشته و موجب ایجاد مزیت‌های یک بنگاه بزرگ برای بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه این صنایع می‌شوند. از این‌رو، با تشکیل خوشه و تجمیع این شرکت‌ها، این بنگاه‌ها هم می‌توانند از مزیت‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط بهره‌مند شوند و هم امکان دستیابی به امکانات و مزیت‌های بنگاه‌های بزرگ را کسب می‌کنند.

یک خوشه صنعتی، نه فقط شامل واحدهای کسب‌وکار که تولیدات و یا خدمات مشخص خوشه را تولید و ارائه می‌کنند؛ بلکه علاوه‌بر زیرمجموعه‌های یک خوشه صنعتی ازجمله تامین‌کنندگان مواد اولیه، پیمانکاران فرعی، خریداران، صادرکنندگان، تامین‌کنندگان ماشین‌آلات، نهادهای مختلف پشتیبان، مشاوران، خدمات عمومی، واحدهای مربوط به سیستم حمل‌ونقل و سایر تامین‌کنندگان که تولید در خوشه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تسهیل می‌کنند را نیز در برمی‌گیرد.

همچنین، گروه‌های دیگری از فعالان مثل اتحادیه‌ها، گروه‌های همیار، تعاونی‌ها و انجی‌اوها که ترغیب‌کننده کسب‌وکار بخش‌های مختلف خوشه‌ها هستند نیز قرار می‌گیرند. به مجموعه‌های اشاره شده، «ذی‌نفعان خوشه» گفته می‌شود.

بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط

نگاهی به نظام اقتصاد و اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته جهان نشان می‌دهد که ایجاد و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاه‌های اقتصادی به رغم آن‌که به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند.

با توجه به مشکلاتی که این‌گونه بنگاه‌ها با آنها روبه‌رو هستند، در کشورهای مختلف قوانین و تسهیلات گوناگونی برای حمایت از آنها به‌وجود آمده و ایجاد فضای مناسب برای کمک به رشد و توسعه آنها یکی از مسئولیت‌های اصلی دولت‌ها است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان دارای شباهت‌های بسیاری هستند؛ اما با وجود این، نمی‌توان تعریف واحد و یکسانی از آنها به‌دست آورد و هر کشور با توجه به شرایط خاص خود، تعریفی از این بنگاه‌ها ارائه کرده است. بیشتر این تعریف‌ها براساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده‌اند؛ مثلا در ایالات متحده آمریکا، بنگاه‌هایی را که کمتر از ۵۰۰نفر پرسنل داشته باشند، شرکت کوچک می‌نامند؛ درحالی که در آلمان شرکت‌هایی را که دارای کمتر از ۱۰نفر پرسنل باشند شرکت کوچک و از ۱۰ تا ۴۹۹نفر را شرکت‌های متوسط محسوب می‌کنند.

میزان گردش مالی شرکت‌ها نیز معیار دیگری برای طبقه‌بندی شرکت‌های کوچک و متوسط در آلمان به‌شمار می‌رود. شرکت‌هایی که گردش مالی آنها تا ۲۵میلیون یورو در سال باشد، شرکت متوسط و شرکت‌هایی که گردش مالی آنها حدود ۲۵۰هزار یورو باشد، شرکت کوچک به حساب می‌آیند. براساس معیارهای اتحادیه اروپا نیز، صنایع کوچک و متوسط برحسب تعداد کارکنان و مبلغ گردش سرمایه سالانه تعریف می‌شوند. بر این اساس، بنگاهی کوچک یا متوسط نامیده می‌شود که تعداد کارکنان آن کمتر از ۲۵۰نفر باشد و مبلغ گردش مالی سالانه آن هم از ۴۰میلیون یورو تجاوز نکند.

هرچند این تعاریف کمی، تقسیم‌بندی را راحت‌تر می‌کند، اما معیارهای کمی همیشه برای طبقه‌بندی شرکت‌ها روش مناسبی نیستند. مثلا یک شرکت فولادسازی که مجموع کارکنان آن ۵۰۰نفر باشد، در صنعت فولاد یک شرکت متوسط به‌حساب می‌آید، درحالی که یک شرکت خدماتی مانند یک شرکت مشاوره مالی با حدود ۵۰۰نفر پرسنل، یک شرکت بزرگ در زمینه خودش محسوب می‌شود. بنابراین، کیفیت و مشخصات کیفی شرکتها نیز مهم است. به‌طور کلی، معمولا شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط از سه ویژگی کیفی برخوردارند:

۱) وحدت مالکیت و مدیریت؛

۲) مالکیت فردی و خانوادگی؛

۳) استقلال از سایر بنگاه‌ها؛

اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط

در مورد اهمیت این شرکت‌ها، همین بس که حداقل ۲،۳میلیون موسسه کوچک و متوسط در آلمان وجود دارد که تعداد کارکنان آنها ۲۰میلیون نفر است و ۷۰درصد کل شاغلان این کشور را در خود جای داده‌اند.

در آمریکا نیز حدود ۲۵میلیون بنگاه کوچک وجود دارد که بیش از ۵۰درصد از نیروی کار بخش خصوصی را در اختیار دارد. این بنگاه‌ها به تنهایی نیمی از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده را تامین کرده و ۹۶درصد از کل صادرات این کشور نیز توسط این شرکت‌ها تولید می‌شوند.

این شرکت‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند، از کارکردهای بی‌بدیلی برخوردارند؛ شرکت‌های کوچک از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار بوده و کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری بیشتری در آنها صورت می‌پذیرد. این شرکت‌ها راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی و بحران‌ها تطبیق داده و نسبت به مولفه‌های محیطی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی سیاسی و قانونی سریع‌تر واکنش نشان دهند. گفتنی است که بیش از ۵۵درصد از نوآوری‌ها و اختراعاتی که در ایالات متحد آمریکا به ثبت می‌رسد، در شرکت‌های کوچک و متوسط رخ می‌دهد.

بنگاه‌های کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش بزرگی از جمعیت کشورها و آموزش و تربیت نیروی کار ماهر هستند. تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ، غالبا توسط شرکت‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد. این مسئله به صورت یکی از مشکلات کنونی این بنگاه‌ها درآمده است؛ زیرا غالبا افراد متخصص پس از کسب تجربه در شرکت‌های کوچک و متوسط، جذب صنایع بزرگتر و جذاب‌تر می‌شوند.

از آنجایی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ با سرمایه کمتری می‌توانند به ایجاد اشتغال مبادرت کنند، تعداد مشاغلی که این دسته از شرکت‌ها ایجاد می‌کنند بیشتر از شرکت‌های بزرگ است. امکان ایجاد مشاغلی به صورت «خویش‌فرما» باعث می‌شود تا کارآفرینان با انگیزه بیشتری به این دسته از شرکت‌ها روی بیاورند.

جذب و پذیرش کارکنان با شرایط خاص در این بنگاه‌ها با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. این شرکت‌ها توانسته‌اند امکان اشتغال برای افراد جوان، سالمندان، زنان، کارکنان پاره‌وقت و حتی افراد معلول نیز فراهم کنند.

در این بنگاه‌ها، به‌راحتی می‌توان بدون‌نیاز به برنامه‌ریزی و تغییرات گسترده در ساختار، گروه‌های میان‌وظیفه‌ای یا گروه‌های کاری با ترکیبی از متخصصان مختلف را گردهم آورد و از توان آنها استفاده کرد.

هزینه بیرون آمدن از صنعت برای این شرکت‌ها در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، کمتر است؛ از این‌رو بسیاری از کشورهای جهان توجه خاصی به این گروه از بنگاه‌ها دارند و با مطالعه و بررسی در مورد مسائل و مشکلات آنها، سعی در استفاده از مزیت‌های گوناگونی دارند که این شرکت‌ها برای رشد اقتصادی ایجاد می‌کنند.

نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد جهان نیز به ویژه در موضوع اشتغال نیروی کار بسیار حائز اهمیت است. این بنگاه‌ها با ایجاد اشتغال مولد و شایسته، عامل مهمی برای مبارزه با بیکاری بین‌المللی به‌شمار می‌روند. این در شرایطی است که دنیا با چالش جدی و مهاجرت برای کار در بین کشورها روبه‌رو است که می‌توان با حمایت کشورهای توسعه یافته، بنگاه‌های کوچک و متوسط را در کشورهای کمتر توسعه یافته ایجاد کرد.

تغییر فناوری تولید در دهه‌های اخیر و فاصله گرفتن از تولید انبوه در صنایع بزرگ و گرایش به سمت تولید انعطاف‌پذیر در صنایع کوچک و متوسط، هر چند توانایی رقابت فعالیت‌های صنعتی کوچک را افزایش داده و منجر به انتقال فعالیت‌های اقتصادی از صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک شده؛ ولی این موضوع به معنای حذف صنایع بزرگ و جایگزینی آن با صنایع کوچک نبوده، بلکه روند حرکت به سوی تعامل هرچه بیشتر این دو با یکدیگر بوده است؛ به‌گونه‌ای که تقسیم کار میان صنایع کوچک و بزرگ به شکلی صورت پذیرفته که آنها به جای رقابت با هم، یکدیگر را کامل می‌کنند.

جایگاه بنگاه‌های اقتصادی در ایران نشان می‌دهد آنچه که به عنوان طبقه‌بندی واحدهای صنعتی در ایران در نظر گرفته می‌شود این است که واحدهای با کمتر از ۱۰نفر کارگر «خرد»، ۱۰ تا ۴۹نفر کارگر «کوچک»، ۵۰ تا ۹۹نفر کارگر «متوسط» و بالاتر از ۱۰۰نفر کارگر «بزرگ» نامیده می‌شوند.

مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط

شرکت‌های کوچک و متوسط در اغلب کشورهای جهان با مشکلات نسبتا مشابهی مواجه هستند. کمبود دانش اقتصادی، مالی و مدیریتی به ویژه در زمان تاسیس باعث بروز مشکلاتی برای این نوع از شرکت‌ها می‌شود؛ به‌طوری که گاهی یک فرد مجبور به انجام کارهای تخصصی متعددی می‌شود که خارج از صلاحیت حرفه‌ای وی است.

به علت نبود مراجع حمایت کننده و اثرگذار، صنایع کوچک نمی‌توانند بر روی تغییرات محیطی تاثیر بگذارند و همین مسئله آسیب‌پذیری این دسته از صنایع را افزایش می‌دهد.

تامین منابع مالی برای این شرکت‌ها در مقایسه با شرکت‌های بزرگ مشکل‌تر است، به‌ویژه آن که بانک‌ها شرایط سخت‌تری را از نظر وثیقه و نرخ بهره بالاتری به آنان تحمیل می‌کنند.

تامین و حفظ نیروی انسانی از مشکلات همیشگی این بنگاه‌ها است؛ زیرا بیشتر متخصصان تمایل به فعالیت در شرکت‌های بزرگ دارند و حتی ممکن است پس از کسب آموزش‌های لازم در صنایع کوچک، آنجا را ترک کنند.

این صنایع نه‌تنها غالبا از تجارب مدیریتی بی‌بهره‌اند، بلکه امکان استفاده از خدمات مشاوره‌ای متخصصان کارآمد را نیز به لحاظ محدودیت منابع مالی ندارند.

شرایط خاص فرهنگی در برخی از کشورها عموما ممکن است برای این شرکت‌ها جایگاهی از نظر مولد بودن قائل نباشد. مثلا در کشور ما غالبا صنایع خدماتی را مولد محسوب نمی‌کنند.

در بیشتر موارد این شرکت‌های متوسط و کوچک فاقد هرگونه تشکل حمایت کننده در امور بازاریابی و صادرات هستند و این امر هزینه‌های صادراتی و ریسک‌های مرتبط با آن را افزایش می‌دهد.

کارآفرینان و بنیانگذاران این صنایع وقتی به سن بازنشستگی می‌رسند، با مشکل پیدا کردن جانشینی شایسته برای خود مواجهند، به‌گونه‌ای که برخی از این شرکت‌ها بعد از مدتی به علت همین مسئله از بین می‌روند.

به علت مزایا و قابلیت‌های بسیار زیاد شرکت‌های کوچک و متوسط و نقش برجسته‌ای که آنها در اقتصاد کشورها به‌ویژه با توجه به مسائل و مشکلاتی که این گروه از بنگاه‌ها با آن روبه‌رو هستند، در کشورهای پیشرفته جهان حمایت‌های گوناگونی از این شرکت‌ها به عمل می‌آید که باعث افزایش کارایی آنها شده، به طوری که درحال حاضر بیشتر کشورهای جهان شاهد افزایش تعداد این گروه از شرکت‌ها هستند. در کشور ما نیز جا دارد تا با تاسیس شرکت‌ها و موسسات تامین کننده مالی، این نوآوران و ایده‌پردازان اقتصادی را حمایت کرده تا این‌گونه حمایت‌ها در کشور نهادینه شود.

در نشست مشاور رئیس‌جمهور با سفیر اندونزی در ایران تاکید شد:

توسعه تعاملات اقتصادی و بازرگانی در جهت تحکیم روابط ایران و اندونزی

حجت‌الله عبدالملکی مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایعالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی با سفیر اندونزی در ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار که در منطقه آزاد ارس برگزار شد، طرفین بر تحکیم روابط میان ایران و اندونزی برپایه تعاملات اقتصادی و بازرگانی تاکید کردند.

براساس این گزارش، در این دیدار که در حاشیه آیین افتتاح دومین ژئوپارک جهانی ارس برگزار شد؛ سفیر اندونزی در ایران به سفر دکتر رئیسی به این کشور اشاره کرد و گفت: سفر رئیس‌جمهوری ایران به اندونزی نتایج پرباری به همراه داشت؛ این سفر نقطه عطفی برای گسترش و مستحکم‌تر کردن روابط دوجانبه خصوصا گسترش روابط اقتصادی و زیربنایی

در گفت‌وگوی اختصاصی با نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی مطرح شد:

هرج و مرج در منطقه آزاد انزلی تبدیل به یک بحران شده است

گفت‌وگو:
طهورا کریمان

طی هفته‌های اخیر؛ این هفته‌نامه در راستای رسالت رسانه‌ای خود و بررسی چالش‌های موجود در منطقه آزاد انزلی، سلسله گزارشاتی را منتشر نموده است. اما از آنجا که نمی‌توانستیم متکلم وحده باشیم و حرفه‌ای گری رسانه‌ای در کنار رعایت عدالت ایجاب می‌کرد موضوع را از دیدگاه‌های متفاوتی مورد مداقه قرار دهیم؛ فلذا طی گفت‌وگویی اختصاصی با دکتر جبار کوچکی‌نژاد، مسائل و مشکلات منطقه آزاد انزلی را تشریح نمودیم.

دکتر کوچکی‌نژاد نماینده مردم رشت و خمام در مجلس، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و سخنگوی فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این نماینده که از بدنه فرهنگی استان گیلان راهی مجلس شورای اسلامی شده است، از جمله مسئولین منتقد استان گیلان نسبت به عملکرد سازمان منطقه آزاد انزلی می باشد.

طیف متنوعی از موضوعات در مصاحبه با دکتر کوچکی‌نژاد مورد بحث قرار گرفت و در برخی موارد نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی، ضمن تایید ضمنی انتقادات این رسانه در خصوص منطقه آزاد انزلی، عملکرد کلی این منطقه را ضعیف عنوان کرد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، مشخص نبودن راهبرد توسعه، ضعف برنامه‌ریزی، عدم‌ثبات مدیریت، کاهش تولید و اشتغال‌زایی، کاهش درآمدزایی و... را از عوامل اصلی ایجاد نارضایتی از عملکرد منطقه آزاد انزلی بیان نمود.

البته نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی در برخی از حوزه‌های مورد بحث نظیر پروژه مجتمع بندری کاسپین و طرح توسعه محدوده منطقه آزاد انزلی، برخلاف تحلیل‌های این رسانه که طی هفته‌های گذشته انتشار یافته بود، نظر داد؛ که ما با رعایت اصل امانتداری در کلام، سخنان وی را منعکس می‌کنیم.

در حالت کلی، بسیاری از نخبگان و مسئولین استان گیلان ازجمله جبار کوچکی‌نژاد همان‌طور که قید گردید، از نحوه مدیریت و عملکرد منطقه آزاد انزلی و دور شدن آن از مسیر توسعه پایدار و متوازن اقتصادی و برنامه‌های راهبردی که در اساسنامه تاسیس سازمان منطقه آزاد انزلی ذکر شده است، انتقاد دارند. این درحالی است که امروز شرایط اقتصادی کشور و لزوم تحرک مجموعه‌های اقتصادی برونگرا نظیر مناطق آزاد، ایجاب می‌کند در جهت تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسامی و عمل به شعار سال، یعنی «مهار تورم، رشد تولید»؛ به ایفای نقش متناسب با عنایت به ظرفیت‌های مختلف خود اقدام نمایند. اما متاسفانه درحال حاضر منطقه آزاد انزلی، گرفتار سوءمدیریت مزمن، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عدم توجه به اولویت‌ها و... می‌باشد.

فلذا این هفته‌نامه به سبب تعهدی که در قبال مخاطبین عام و خاص مناطق آزاد دارد، در تلاش است با ارائه گزارشات تحلیلی و انتقادی، زمینه اصلاح وضعیت موجود در منطقه آزاد انزلی را فراهم نماید.

در ادامه این گزارش، توجه مخاطبین گرامی را به مشروح مصاحبه با دکتر جبار کوچکی‌نژاد نماینده مردم رشت و خمام در مجلس، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و سخنگوی فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی جلب می‌نماییم.

نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی:
مدیریت سازمان منطقه آزاد انزلی در بدترین شرایط قرار دارد

نماینده مردم رشت و خمام و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با نشریه، به انتقاد از عملکرد منطقه آزاد انزلی پرداخت و مهم‌ترین ضعف این منطقه را در عدم برنامه‌ریزی دقیق و بی‌ثباتی مدیریتی معرفی کرد.

طبق گفته این نماینده مجلس؛ مدیران سازمان منطقه آزاد انزلی نگاهی کوتاه‌مدت دارند و در این رویکرد، منافع مدیریتی مقطعی برایشان مهم می‌باشد، نه منافع عمومی کشور؛ که این امر موجب تضعیف منطقه آزاد انزلی شده است.

عدم موفقیت در جذب سرمایه‌گذار، حجم کمی از مبادلات تجاری، عدم تحقق اهداف در بحث درآمدزایی و ایجاد اشتغال، از دیگر مشکلاتی است که از نگاه کوچکی‌نژاد در منطقه آزاد انزلی وجود دارد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که آیا منطقه آزاد انزلی در مسیر توسعه طبق ظرفیت‌های راهبردی خود قرار دارد، اظهار داشت: پیش‌تر دولت درخصوص منطقه آزاد انزلی لایحه‌ای داشت و موضوع توسعه سرزمینی و افزایش محدوده این منطقه را مصوب کرده بود؛ اما متاسفانه دیوان عدالت اداری این مصوبه را ابطال کرد و منطقه آزاد دچار یک مشکل اساسی شد؛ هم در بحث سرمایه‌گذاری به شدت افت کرد و هم از نظر گردشگری شاهد افول بوده‌ایم. طرح توسعه محدوده منطقه آزاد انزلی شامل الحاق ۲هزار هکتار اراضی صنعتی و فرودگاهی گیلان به محدوده این منطقه با اولویت انزلی بود. ما هم در مجلس شورای اسلامی ناچارا جهت افزایش محدوده منطقه آزاد انزلی با دولت هماهنگ شدیم و برخی شهرک‌های صنعتی و اراضی شهر انزلی را تحت پوشش شهرک‌های این منطقه آزاد آوردیم. مصوبه مجلس بررسی شد، اما این طرح یکبار پس از تصویب از سوی مجلس، مورد ایرادات قانونی از سوی شورای محترم نگهبان قرار گرفت که برای رد این ایرادات، به مجلس بازگشت. نمایندگان مجلس نیز با حضور کارشناسان شورای نگهبان مجددا موارد را بررسی و با تامین نظر این شورا، طرح را تصویب و به جهت تایید دوباره، آن را ارسال کرده‌اند. نهایتا شورای نگهبان ایراد خاصی را مطرح نکرد، اما مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالفت نموده و ایراداتی مطرح کرد که همچنان این موضوعات و ایرادات وجود دارد.

وی ادامه داد: علت اینکه هنوز نتوانستیم این مسئله را حل کنیم، به دلیل ضعف عملکرد مدیریت است. هم در دولت قبل و هم در این دولت، مشکلات درخصوص مناطق آزاد زیاد بوده است و ما آسیب جدی در این مناطق دیده‌ایم. طی دوسال گذشته ۴مدیرعامل و سرپرست در سازمان منطقه آزاد انزلی تغییر کرد و درحال حاضر مدیریت این سازمان توسط سرپرست صورت می‌پذیرد. این عدم ثبات مدیریتی، آسیبی جدی در یک منطقه آزاد است. ما انتظار تثبیت مدیریتی داشتیم؛ آنقدر که مدیران مناطق آزاد در حوزه‌های اقتصادی، گردشگری، بخش صنعت و ارتباط با کشورهای همسایه به صورت قدرتمند عمل کنند و ثبات تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. اما این موضوعات تحقق پیدا نکرد و درحال حاضر با ضعیف‌ترین شرایط مدیریتی اداره می‌شوند! این خطری است که منطقه آزاد انزلی را تهدید می‌کند؛ بی‌تردید در آینده نزدیک این سازمان حتی در پرداخت حقوق پرسنل خود با مشکل مواجه خواهد شد. نیروهای انسانی که در این منطقه آزاد مشغول هستند نیز با خطر آسیب روبه‌رو خواهند بود. لذا مدیریت سازمان منطقه آزاد انزلی در بدترین شرایط قرار دارد.

کوچکی‌نژاد تصریح کرد: آقای خاندوزی که اداره مناطق آزاد به او سپرده شده است، باید فکری به حال مناطق آزاد کشور کند. مناطق آزاد محل توسعه اقتصادی کشور است و می‌تواند شرایطی برای اشتغال ایجاد کند و ارزش افزوده داشته باشد و درواقع آبرویی برای استان و کشورمان باشد؛ اما به سبب ضعف مدیریتی و عملکردی، ما همچنان شاهد افول و بروز مشکلات اساسی در منطقه آزاد انزلی هستیم. متاسفانه در این مسیر و رویکرد آقای خاندوزی هم نتوانست اقدامی برای مناطق آزاد کشور خصوصا منطقه آزاد انزلی صورن دهد.

این نماینده مجلس اظهار کرد: مدیران سازمان منطقه آزاد انزلی نگاهی کوتاه‌مدت دارند و منافع مدیریتی مقطعی برایشان مهم است، نه منافع عمومی کشور؛ این امر موجب ضعف عملکردی منطقه آزاد انزلی شده است. عدم موفقیت در جذب سرمایه‌گذار، حجم کم مبادلات تجاری، عدم تحقق اهداف در بحث درآمدزایی و ایجاد اشتغال از دیگر مشکلاتی است که در منطقه آزاد انزلی وجود دارد.

نماینده مردم رشت و خمام در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که سهم ضعف مدیریتی، اختلافات درون‌سیستمی و عدم برنامه‌ریزی صحیح در انحراف منطقه آزاد انزلی از مسیر توسعه چیست چه میزان است، گفت: با توجه به اینکه در ماده۲۳ قانون برنامه ششم توسعه و همچنین قانون بودجه۱۴۰۱ تاکید کردیم دبیرخانه و مناطق آزاد تحت پوشش وزارت امور اقتصادی و دارایی است؛ اما عملا این وزارتخانه تلاشی بر بهبود شرایط مناطق آزاد کشور ندارد. به مرور دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی تضعیف شد و به‌تبع آن مدیریت هر سازمان منطقه آزاد نیز دچار افول گشت. اصولا از نیروهای کم‌تجربه و کم‌توان در مدیریت سازمان منطقه آزاد انزلی استفاده می‌شود و این موضوع باعث ضعف ساختاری جدی شده است.

کوچکی‌نژاد به موقعیت جغرافیایی منطقه آزاد انزلی اشاره کرد و تاکید نمود: این منطقه می‌توانست هاب لجستیک، ترانزیت و تجارت کریدور شمال–جنوب گردد، اما این اتفاق نیفتاد.

وی ادامه داد: منطقه آزاد می‌تواند محل ورود گردشگران داخلی و خارجی و هم منطقه‌ای برای استقرار بسیاری از واحدهای تولیدی باشد؛ اما مزیت دیگر این است که این مناطق محلی ویژه برای ترانزیت به اقصی دنیا هستند و این ویژگی قابل‌توجهی است. پروژه خط راه‌آهن ۳۵کیلومتری رشت به بندر کاسپین (منطقه آزاد انزلی) درحال انجام می‌باشد، اما کسی به این فکر نمی‌کند که اگر قرار است کشتی‌های رو–رو به این بندر بیایند، شرایط خاصی را طلب می‌کند. ساخت اسکله و کشتی‌های رو–رو شاید دوسال طول بکشد؛ اما اگر اسکله‌های رو–رو با خط‌آهن، همزمان ساخته نشود، شاهد عقب‌ماندگی خواهیم بود. لذا مدیریت درستی در این حوزه وجود ندارد و به همین دلیل شاهد آسیب جدی به منطقه آزاد انزلی هستیم.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که دلیل ضعف زیرساخت‌های مختلف ترانزیتی، بندری و سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد انزلی چیست، عنوان کرد: همه این موارد ریشه در ضعف و عدم ثبات مدیریت دارد. منطقه آزاد انزلی به روزمرگی افتاده و این مسئله هم برای داخل منطقه، هم استان و همچنین کشور خطرساز است. گرایش کشور ما به سمت بلوک شرق است مخصوصا به سمت روسیه که باید ترانزیت مداوم داشته باشیم. منطقه آزاد انزلی می‌تواند محلی خوبی جهت انجام این فرآیند باشد. در رشت قرار بود یک قسمتی تحت عنوان جابه‌جایی کالا کنار جاده داشته باشیم تا برای ترانزیت کالا، بارانداز وجود داشته باشد؛ اما هیچ اقدامی در این رابطه نشده است. تحقق این موضوع نیاز به ۵۰هکتار زمین و زیرساخت ویژه دارد، ولی هیچ برنامه‌ریزی و مدیریتی در این خصوص وجود ندارد.

کوچکی‌نژاد بیان کرد: آقای رئیس‌جمهور در برنامه هفتم توسعه کشور، بر بحث دریا و اقتصاد دریا تاکید داشته است؛ لذا منطقه آزاد انزلی می‌تواند نقطه بسیار مهمی جهت تحقق اقتصاد دریامحور در کشور داشته باشد. آقای رئیس‌جمهور بیان داشت که گرایش برنامه هفتم توسعه بیشتر به سمت اقتصاد دریایی است؛ لذا با توجه به این هدف، می‌بایست در منطقه آزاد انزلی تلاش مضاعفی صورت گیرد؛ اما به سبب ضعف عملکرد مدیریتی، شاهد افول هستیم.

وی همچنین درخصوص اختلافات موجود در توسعه محدوده جغرافیایی منطقه آزاد انزلی گفت: ما در مجلس توانستیم ایرادات شورای نگهبان را رفع نماییم؛ اما مجمع تشخیص مصلحت نظام ایراد درستی نگرفت. با این وجود به‌دنبال رفع ایراد مجمع تشخیص مصلحت نیز هستیم. به صورت کتبی نوشتند که اگر حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی صورت بگیرد، مخالفتی ندارند؛ اما واقعیت آن است که متاسفانه ما در خود مجمع هم شاهد دوگانگی در بحث اعلام‌نظر هستیم. مشکلی که وجود دارد این است که شورای نگهبان ایراد مدنظرش را شفاف مطرح کرد و ما هم رفع نمودیم؛ اما درخصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم؛ این چالش نیز به عدم انسجام مدیریتی داخلی منطقه آزاد انزلی برمی‌گردد؛ اگر هماهنگی وجود داشت، قطعا می‌توانستیم با وساطت، این موضوع را حل و فصل کنیم؛ اما وقتی غفلت صورت می‌گیرد، این مشکلات نیز در پی آن وجود خواهد داشت.

این نماینده مجلس در پاسخ به این سوال که با وجود ضعف زیرساخت و عدم توجه به برنامه‌های کلان راهبردی منطقه، آیا ما شاهد وقوع اتفاقات مطلوب اقتصادی در منطقه آزاد انزلی خواهیم بود، گفت: منطقه آزاد انزلی هم در حوزه گردشگری و نیز استقرار صنایع باید نقش اساسی داشته باشد. برای استقرار صنایع قطعا نیازمند محیط بزرگتری هستیم. شهرک سفیدرود که یکی از بزرگترین شهرک‌ها می‌باشد و چند هکتار زمین دارد، می‌تواند به عنوان یک محل تولید برای منطقه آزاد انزلی جهت استقرار صنایع در آن باشد. لذا تصویب این طرح محاسن زیادی دارد و علاوه‌بر افزودن فرودگاه سردار جنگل رشت به محدوده منطقه آزاد انزلی که خود در ترانزیت، صادرات و واردات این محدوده تاثیر چشمگیری خواهد داشت، پیوستن سه شهرک صنعتی دیگر گیلان به این محدوده را شامل می‌گردد که می‌تواند مزایای زیادی در حوزه تولید و اشتغال برای استان و منطقه آزاد انزلی به همراه داشته باشد.

کوچکی‌نژاد اذعان داشت: قطعا اگر منطقه آزاد انزلی توسعه پیدا کند، شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود. اگر ۳۵کیلومتر خط راه‌آهن به بندر کاسپین و ۷۰۰کیلومتر خط آستارا انجام شود و این دو خط ترانزیتی را در حوزه ریلی داشته باشیم، بی‌شک تحولات چشمگیری در این بخش پیش خواهد رفت.

وی درخصوص نبود ثبات مدیریت و نداشتن اختیارات قانونی توسط سرپرست فعلی سازمان منطقه آزاد انزلی گفت: هرج و مرجی در منطقه آزاد انزلی وجود دارد که این موضوع تبدیل به یک بحران شده و اگر ادامه پیدا کند، ناچار هستیم از طریق سوال و بحث نظارتی و فشار به وزیر امور اقتصادی و دارایی، این بحث‌ها را بررسی نماییم.

این نماینده مجلس در پاسخ به این سوال که چه ضرورتی برای احداث بندر کاسپین به جای سرمایه‌گذاری جهت به‌روزرسانی امکانات موجود در بندر انزلی وجود داشت، تصریح کرد: در حاشیه دریای خزر، بندر کاسپین و امیرآباد را داریم که دو بندر بزرگ محسوب می‌شوند. بندر انزلی نیز تقریبا پشتیبان بندر کاسپین می‌باشد، اما به سبب آن که داخل شهر قرار دارد، قابل توسعه نیست؛ در نتیجه بندر کاسپین سریع‌تر می‌تواند به توسعه برسد.

نماینده مردم رشت و خمام و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در پایان درخصوص میزان رضایت نخبگان منطقه‌ای و مردم از عملکرد منطقه آزاد انزلی خاطرنشان کرد: بعید می‌دانم کسی از عملکرد منطقه آزاد انزلی رضایت داشته باشد. عدم ایجاد اشتغال، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید و درآمدزایی و... مشکلاتی است که نه نفعی برای مردم داشته و نه آن که به نفع توسعه منطقه آزاد انزلی بوده است.

> هرج و مرجی در منطقه آزاد انزلی وجود دارد که این موضوع تبدیل به یک بحران شده و اگر ادامه پیدا کند، ناچار هستیم از طریق سوال و بحث نظارتی و فشار به وزیر امور اقتصادی و دارایی، این بحث‌ها را بررسی نماییم.

> مدیران سازمان منطقه آزاد انزلی نگاهی کوتاه‌مدت دارند و منافع مدیریتی مقطعی برایشان مهم است، نه منافع عمومی کشور؛ این امر موجب ضعف عملکردی منطقه آزاد انزلی شده است.

> در آینده نزدیک سازمان منطقه آزاد حتی در پرداخت حقوق پرسنل خود با مشکل مواجه خواهد شد. نیروهای انسانی که در این منطقه آزاد مشغول هستند نیز با خطر آسیب روبه‌رو خواهند بود. لذا مدیریت سازمان منطقه آزاد انزلی در بدترین شرایط قرار دارد.

یادداشت

مناطق آزاد ایران و موفقیت در امر پردازش صادرات؟!

یادداشت:
رامین قنبری
کارشناس مناطق آزاد

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های راهبردی که امروز مناطق آزاد هفتگانه ایران در برابر خود دارند، این است که آیا موفقیتی در امر پردازش صادرات به‌دست آورده و می‌آورند؟ و یا به خیل عظیم مناطق آزاد دیگر آسیایی می‌پیوندند که در زمینه بازده سرمایه‌گذاری‌های ملی دچار مشکل شده‌اند؟

پاسخ این است که اگر سازوکار تجارت بین‌المللی به خوبی شناخته شود و سیاست‌های ملی و منطقه‌ای حساب شده‌ای اتخاذ گردد، مناطق آزاد ایران می‌توانند براساس زمینه‌های فعالیت تعریف شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور موقعیت شایسته‌ای را در فرآیند بازرگانی جهانی به‌دست آورند و به مناطق مهمی برای تجارت، صنعت و ایرانگردی تبدیل شوند.

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی پایگاه ورود کالا به کشور هستند و یکی از راه‌های توسعه این مناطق و بارور شدن اقتصاد، صادرات مجدد کالاهایی است که به سبب تغییر و افزایش ارزش افزوده، مجددا صادر می‌شود. در ایران به دلیل نرخ ارز مصنوعی، صادرات کار دشواری است، ولی صادرات از مناطق آزاد همواره مورد تشویق بوده است. باید از تمام توان و ظرفیت مناطق آزاد جهت توسعه صادرات مجدد بهره گرفت و با اعمال سیاست‌های تشویقی، شرایط شکوفایی اقتصادی این مناطق را فراهم نمود.

در این راستا، پیشنهاداتی جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در حوزه صادرات و صادرات مجدد، به شرح ذیل عنوان می‌شود:

- برای توسعه صادرات باید تبلیغات و بازاریابی بیشتر انجام گردد؛
- کاهش بروکراسی ازجمله مسئله گمرک مرتفع شود؛
- آموزش لازم در رابطه با صادرات به بازرگانان داده شود؛
- ایجاد بحث‌ها و جلساتی برای کشف ایده‌های موثر در امر توسعه صادرات صورت گیرد؛
- ارائه خدمات خاص برای جذب سرمایه‌گذاران انجام پذیرد؛
- افزایش کیفیت محصولات صادراتی در دستورکار قرار گیرد؛
- راه‌اندازی سایت اینترنتی برای ارتباط آنلاین بازرگانان انجام شود؛
- نمایشگاه‌های دائمی در کشورهای همسایه برگزار گردد؛
- حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی که در کشورهای منطقه برگزار می‌گردد، برنامه‌ریزی شود؛
- بر قیمت کالاهای صادراتی با عنایت به قیمت‌های جهانی، توجه و تاکید گردد؛
- مسیر جدید گردشگری و تعریف بسته‌های گردشگری تاریخی، فرهنگی و تفریحی راه‌اندازی شود؛
- شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی با مشارکت کشورهای همسایه ایجاد گردند؛
- شرکت‌های گردشگری منطقه‌ای راه‌اندازی شوند؛
- از ورود بی‌رویه کالا به مناطق آزاد جلوگیری شود و تشویق صادرات و معافیت گمرکی و مالیاتی کالاهای صادراتی صورت گیرد؛
- ایجاد امنیت و فضای سیاسی باثبات در مناطق آزاد و برقراری تعرفه‌های ترجیحی برای مناطق در مقایسه با کشورهای همجوار جهت تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به جد موردتوجه و اقدام قرار گیرد،
- اجرای قوانین فعلی و تدوین قوانین جدید به صورت بلندمدت و پایدار، هماهنگ با استانداردهای جهانی، روشن و شفاف‌سازی صورت پذیرد؛
- ثبات قوانین و مقررات پولی، بانکی، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد حاکم گردد.

با نگاهی به متن سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی ایران در افق۱۴۰۴ هجری شمسی؛ که در تاریخ ۱۳آبان سال۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد، تاثیر و نقش مناطق آزاد کشور در رسیدن به اهداف این سند چشم‌انداز بسیار استراتژیک و پررنگ می‌باشد.

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز ۲۰ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.
- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی‌بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب.
- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.
- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تاکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
- الهام‌بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره).
- دارای تعامل سازنده و موثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

بی‌شک در جهت نیل به توسعه اقتصادی و جهش علمی و فناوری در راستای دستیابی به اهداف ایران۱۴۰۴، مناطق آزاد کشور توانسته‌اند با ظرفیت‌های خود و ایجاد زیرساخت‌ها، بسترهای مطلوبی برای رسیدن به این امر در سند چشم‌انداز کشور داشته باشند؛ بنابراین بهتر است که دولتمردان با توجه به ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و امکاناتی که در مناطق آزاد کشور سه‌دهه به‌وجود آمده، در جهت پیاده‌سازی اهداف و برنامه‌های افق۱۴۰۴ از این پتانسیل‌ها بهره کافی و مکفی را ببرند و اجازه دهند که مناطق استراتژیک کشور، نقش مهم و موثر خود را در جهت تعالی نظام جمهوری اسلامی ایران ایفا نمایند.

هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مرضیه حسینی
زیرنظر: شورای سردبیری
www.freezonesnews.com
اخبار مناطق آزاد
قشم
آدرس دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، ابتدای خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان مشاهیر، پلاک ٦٤ ، واحد ٥
تلفن: ٨٨٨٤١٦٤٨ فکس: ٨٨٨١٤٧٣٣
چاپ: گل آذین - ٦٦٧٩١٣٦٩ بازرگانی و توزیع: موسسه آزاد کهن قشم

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در دیدار با هیات سرمایه‌گذاری روسیه مطرح کرد:

ارتباط خوب دولت‌های ایران و روسیه، فرصتی جهت رونق اقتصادی تنگه هرمز

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم گفت: برقراری روابط سازنده اقتصادی میان دولت‌های روسیه و جمهوری اسلامی ایران، یک فرصت خوب برای رونق و توسعه اقتصاد تنگه هرمز است.

عادل پیغامی در دیدار با هیات سرمایه‌گذاری استان کراسنودار روسیه، اظهار داشت: جزیره قشم به عنوان بزرگترین جزیره ایران و بزرگترین جزیره غیرمستقل جهان، دارای جذابیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان اقتصادی، فرهنگی و گردشگری است.

وی افزود: وجود مهم‌ترین ژئوپارک جهانی غرب آسیا، جنگل‌های حرا، منابع طبیعی گاز و نفت و دیواره‌های طبیعی ساحلی که ظرفیت خوبی برای تبدیل شدن به اسکله‌های تجاری دارند؛ بخشی از مزیت‌های جزیره قشم است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم با بیان اینکه احداث پل خلیج‌فارس می‌تواند به توسعه اقتصادی منطقه کمک کند، عنوان کرد: احداث پل خلیج‌فارس همراه با اجرای پروژه‌هایی همچون توسعه اسکله کاوه، توسعه شهر فرودگاهی و همچنین فراهم شدن امکان اتصال به خط‌آهن سراسری می‌تواند منابع اقتصادی و اجتماعی برای جزیره قشم به همراه داشته باشد.

پیغامی با اشاره به اینکه قشم از سالیان گذشته نقش موثری در تجارت منطقه داشته است، تصریح کرد: جزیره قشم به‌عنوان جنوبی‌ترین نقطه از کریدور جنوب-شمال، برای تجارت بین‌المللی و دسترسی کشور روسیه به آب‌های آزاد، نقش بسیار مهمی ایفا می کند.

وی اضافه کرد: پیش‌بینی ۲۶۰۰هکتار زمین در هاب سلخ برای توسعه پروژه‌های نفت، گاز و انرژی، وجود سه شهرک صنعتی و برنامه‌ریزی برای احداث دو شهرک صنعتی جدید در غرب جزیره به همراه شهرک صنعتی تخصصی شیلات، بخشی از طرح‌های موجود برای رونق اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار در قشم می‌باشد.

پیغامی اظهار کرد: امیدواریم در آینده نزدیک با ایجاد یک بانک مشترک میان دو کشور در قشم، راه‌اندازی دفاتر تجاری و گردشگری در دو کشور و همچنین پیمان خواهرخواندگی میان قشم و بندر سوچی در استان کراسنودار روسیه، شاهد توسعه و رشد روابط اقتصادی و فرهنگی باشیم.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در پایان با اشاره به اینکه وجود قوانین ویژه اداره مناطق آزاد و معافیت‌های مالیاتی برای فعالان اقتصادی در قشم می‌تواند تسهیل کننده حضور سرمایه‌گذاران در جزیره باشد، خاطرنشان کرد: مجوز تاسیس بانک آفشور و همچنین انجام معاملات ارزی با شرایط ویژه در منطقه آزاد قشم وجود دارد که می‌تواند موردتوجه سرمایه‌گذاران خارجی قرار بگیرد.

معاون استاندار استان کراسنودار روسیه:

تهیه نقشه‌راه، تسهیل کننده روابط اقتصادی ایران و روسیه

همچنین، معاون استاندار استان کراسنودار روسیه در این جلسه بیان کرد: ظرفیت بسیاری در حوزه‌های اقتصادی و گردشگری در جزیره قشم وجود دارد و کارهای بزرگی نیز در این زمینه انجام شده است.

«الکساندر راپل» افزود: امیدوار هستیم مذاکرات خوب صورت گرفته میان دوطرف، منجر به عملی شدن توافقات و نتیجه‌بخشی آنها شود.

وی با اشاره به اهمیت سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری، اظهار داشت: موضوع گردشگری یکی از مسائل موردتوجه سرمایه‌گذاران استان کراسنودار روسیه است و خوشبختانه توسعه این صنعت در دوطرف مورد توافق است.

معاون استاندار استان کراسنودار روسیه همچنین همکاری‌های اقتصادی براساس یک نقشه‌راه برای فعالیت در حوزه‌های زودبازده در طرح‌های تولیدی و صنعتی را، یکی دیگر از موضوعات مورد علاقه سرمایه‌گذاران دانست.

به گفته راپل؛ تهیه و تدوین یک نقشه‌راه برای تسهیل و هدفگذاری فعالیت سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی به‌ویژه بازرگانان، می‌تواند راهگشا باشد و با برنامه‌ریزی و استمرار روابط، کمبودها و مسائل مرتفع کرد.

معاون استاندار استان کراسنودار روسیه در پایان خاطرنشان کرد: تاسیس یک شرکت مشترک میان منطقه آزاد قشم و استان کراسنودار، از موضوعاتی است که می‌تواند همکاری‌های مشترک برای فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی دوطرف را تسهیل کرده و به نتیجه‌بخشی نزدیک نماید.

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم اعلام کرد:

حذف پرداخت مالیات بر ارزش افزوده برای انتقال آبزیان از قشم به سرزمین اصلی

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم گفت: با پیگیری‌های انجام شده توسط سازمان منطقه آزاد قشم و اتحادیه تعاونی‌های شیلات قشم، پرداخت مالیات بر ارزش افزوده برای انتقال آبزیان از قشم به سرزمین اصلی حذف شد.

مختار گرشاسبی با اعلام این خبر اظهار کرد: ماهانه بیش از یکهزار تن از آبزیان صید شده توسط صیادان قشمی که مازاد بر مصرف شهرستان هستند، جهت عرضه در بازار داخل کشور، به سرزمین اصلی صادر می‌گردد.

وی ادامه داد: براساس تبصره۳ ماده۱۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده، واردات کالا از مناطق آزاد به سرزمین اصلی مشمول مالیات ارزش افزوده می‌گردد که با توجه به بند(ب) ماده(یک) قانون مذکور که واردات را تعریف نموده است و ماده۹ قانون فوق‌الذکر مربوط به معافیت‌ها ازجمله عرضه کالاها و خدماتی همچون دام و طیور و آبزیان معاف از مالیات است و با استناد بر همین قانون، پرداخت مالیات بر ارزش افزوده برای انتقال آبزیان از قشم به سرزمین اصلی معاف شد.

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم خاطرنشان کرد: مشکلات مالیاتی در سال۱۴۰۱ چالش‌های زیادی برای صیادان جزیره ایجاد کرده بود که با همدلی و هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی و قضایی شهرستان قشم و استان هرمزگان، امسال این مشکل مرتفع گردید.

در جلسه هیات سرمایه‌گذاری روسیه و معاون فرهنگی سازمان منطقه آزاد قشم تاکید شد:

ارتقاء تبادلات فرهنگی و توسعه گردشگری میان قشم و استان کراسنودار روسیه

در جلسه هیات سرمایه‌گذاری استان کراسنودار روسیه و معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری و جمعی از مدیران سازمان منطقه آزاد قشم، بر ارتقای تبادلات فرهنگی و توسعه گردشگری میان قشم و استان کراسنودار روسیه تاکید شد.

معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد قشم در این جلسه اظهار داشت: نخستین گام برای شکل‌گیری روابط موثر میان قشم و استان کراسنودار روسیه، پذیرش گردشگران روسی در قشم و اعزام گردشگرانی از این جزیره به روسیه به عنوان سفیران فرهنگی می‌باشد.

ادریس راموز ادامه داد: حضور گردشگران در قالب رویدادهای همچون فم‌تریپ می‌تواند به شکل‌گیری روایت رسانه‌ای مطلوب از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری قشم کمک کند و منجر به جذب گردشگران بیشتری می‌شود.

به گفته وی؛ در صورت شکل‌گیری این ارتباط، می‌توان برای ارتقای سایر تبادلات فرهنگی و تجاری برنامه‌ریزی کرد.

راموز با تشریح فرهنگ و تاریخ غنی جزیره قشم، اظهار داشت: با توجه به توانمندی‌های بی‌بدیل جزیره قشم، می‌توان رویدادهای مشترک ازجمله فستیوال‌های موسیقی و جشنواره‌های فرهنگی و گردشگری برگزار نمود.

معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد قشم، گردشگری سلامت و طبیعت‌گردی را از دیگر ظرفیت‌های جزیره قشم برشمرد که می‌تواند مورد استقبال گردشگران روس قرار گیرد و خاطرنشان کرد: آمادگی تبادل گردشگر میان قشم و استان کراسنودار روسیه وجود دارد و امکان برقراری خط پروازی مستقیم نیز با اخذ مجوزهای لازم کشوری میسر خواهد شد.

گفتنی است، هیات سرمایه‌گذاری استان کراسنودار روسیه، پس از بازدید از موزه ژئوپارک جهانی قشم، طی جلسه‌ای با حضور ادریس راموز معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری، سجاد اشگرف مدیر ژئوپارک جهانی قشم، سیدمحمدهاشم داخته مدیر محیط‌زیست و عبدالرضا دشتی‌زاده رئیس اداره میراث فرهنگی سازمان منطقه آزاد قشم، راهکارهای افزایش تبادلات فرهنگی و گردشگری میان دو منطقه را بررسی کردند.

آرزوی دیرینه مردمان غربی‌ترین نقطه جزیره قشم محقق شد:

اتصال آب‌شیرین‌کن ۱۶۰۰مترمکعبی به شبکه آبرسانی داخلی روستای باسعیدو

مدیرعامل شرکت آب، برق و تاسیسات منطقه آزاد قشم از پایان یافتن پروژه احداث تاسیسات پشتیبان شبکه انتقال آب و لوله‌گذاری برای اتصال آب‌شیرین‌کن ۱۶۰۰مترمکعبی منطقه غرب جزیره قشم به شبکه آبرسانی داخلی روستای باسعیدو طی ۷۲ساعت کار مستمر و عملیات شبانه‌روزی خبر داد.

شهرام داوری ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: در پی صدور دستور ویژه مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، تیم عملیاتی شرکت آب، برق و تاسیسات قشم شامل چهار گروه کاری مکانیک، برق، لوله‌کشی و ابنیه و ساختمان، طی مدت ۷۲ساعت موفق به نصب تجهیزات پمپاژ آب و همچنین لوله‌گذاری به طول ۱۶۰متر از محل خروجی آب‌شیرین‌کن منطقه غرب جزیره قشم جهت اتصال آن به شبکه داخلی روستای باسعیدو شدند.

وی افزود: با این اقدام علاوه‌بر انجام عملیات آبرسانی سیار توسط تانکرها به روستاهای غرب جزیره، آب سالم و بهداشتی تولیدی آب‌شیرین‌کن ۱۶۰۰مترمکعبی از طریق شبکه ۳۵۰۰متری لوله‌کشی وارد مدار آبرسانی به منازل مسکونی مردم ساحل‌نشین بندر باسعیدو شد.

داوری، جامعه تحت پوشش خدمات این عملیات آبرسانی با شبکه لوله‌کشی را بالغ‌بر ۴هزار نفر اعلام کرد و گفت: ساکنین روستای تاریخی باسعیدو تا پیش از راه‌اندازی این آب‌شیرین‌کن، هر ۴۰ تا ۵۰روز یکبار موفق به آبگیری در مخازن خود می‌شدند که با این اقدام جهادی، آرزوی دیرین مردمان غربی‌ترین نقطه جزیره قشم برای دسترسی مستمر به آب شیرین و بهداشتی محقق شد.

وی با اشاره به چالش قدیمی تنش‌آبی در روستاهای غربی جزیره قشم خاطرنشان کرد: برای مرتفع نمودن بخشی از این مشکلات موجود در زمینه زیست و معیشت ساحل‌نشینان نجیب بزرگترین جزیره خلیج‌فارس؛ مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم درخصوص افزایش ظرفیت تولید آب‌شیرین‌کن‌ها، ایجاد زیرساخت‌ها برای توسعه شبکه آبرسانی و تامین آب آشامیدنی روستاها از طریق تانکر، دستورات ویژه‌ای صادر کرد.

شایان ذکر است، در روز ۱۷خردادماه۱۴۰۲، طی مراسمی با حضور رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، ظرفیت تولید آب‌شیرین‌کن منطقه غرب جزیره با مرکزیت باسعیدو با افزایش چهار برابری، از ۴۰۰ به یکهزار و ۶۰۰مترمکعب افزایش یافت که ۱۳روستای باسعیدو، دوستکو، کانی، مرادی، گوری، درکو، دولاب، کنار سیاه، تُم‌گز، عایشه‌آباد، سرریگ، چاهو شرقی و چاهو غربی در منتهی‌الیه غربی جزیره قشم تحت پوشش خدمات‌رسانی گرفتند.

در نشست مسئولین سازمان منطقه آزاد قشم و هیات سرمایه‌گذار روسی انجام شد:

تشریح ظرفیت‌های اقتصادی منطقه آزاد قشم برای سرمایه‌گذاران روسیه

در جلسه‌ای مشترک با حضور هیات سرمایه‌گذار استان کراسنودار روسیه و معاون و مدیران اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری قشم برای سرمایه‌گذاران روسی تشریح شد.

در این جلسه هریک از مدیران زیرمجموعه معاونت اقتصادی سازمان منطقه آزاد قشم با ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری حوزه کاری خود، به شرح جزئیات فنی و تخصصی این طرح‌ها پرداختند.

مهم‌ترین بسته‌های سرمایه گذاری ارائه شده در این جلسه، در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و انرژی، شیلات و کشاورزی، صنعت و تولید و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بندری و فرودگاهی بود.

براساس این گزارش، در این جلسه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بی‌نظیر قشم در حوزه حمل‌ونقل دریایی و هوایی، آبخور طبیعی چشمگیر اسکله‌ها و برخورداری از اسکله‌های تخصصی و فرودگاه بین‌المللی به منظور برقراری خط هوایی و دریایی، توانمندی‌های قابل‌توجه شیلاتی با توجه به شرایط طبیعی موجود در جزیره ازجمله پرورش ماهی در قفس، میگو و صدف و پتانسیل‌های نفتی و انرژی و وجود میادین نفت و گاز و وجود پروژه‌های ذخیره‌سازی و بانکرینگ سوخت بررسی شد.

گفتنی است، این جلسه با حضور الکساندر راپل معاون استاندار استان کراسنودار روسیه، مختار گرشاسبی معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری، صادق قاسمی سرپرست مدیریت نفت و انرژی، مریم نوری‌بالانجی مدیر شیلات و کشاورزی، مرتضی صابری مدیر صنعت، معدن و تسهیل تولید، سیدمسعود آل‌عبایی مدیر جذب سرمایه و بازاریابی و پژمان بهرامی مدیر حمل‌ونقل و ترانزیت سازمان منطقه آزاد قشم برگزار گردید.

شایان ذکر است، مهدی سندگل‌نظامی مدیرعامل شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه قشم، ناصر رجبی مدیرکل فرودگاه بین‌المللی قشم منطقه آزاد قشم و کمال بیرامیان دستیار مدیرعامل سازمان در پیگیری‌های ویژه، جعفر زمانی رئیس دفتر نمایندگی وزارت امورخارجه در قشم و علی اشتری مدیر اداره بنادر و دریانوردی قشم نیز از دیگر حاضران در این جلسه بودند.

مدیر شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم تصریح کرد:

ضرورت رفع دوگانگی‌ها در اخذ مجوزات برای تسهیل فعالیت سرمایه‌گذاران قشم

مدیر شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم گفت: در راستای اجرای ماده۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و همچنین ماده۷ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ماده۱۱ و ۲۷ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد؛ مدیریت شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم مرجع صدور تمامی مجوزات مربوط به شیلات و کشاورزی در پهنه‌های جانمایی شده حوزه مذکور در جزیره قشم است.

مریم نوری‌بالانجی با بیان این مطلب اظهار داشت: صدور و تمدید مجوزات و تایید واگذاری اراضی در پهنه‌های جانمایی شده شیلاتی و کشاورزی جزیره قشم و همچنین انجام تمامی فرآیندهای احداث و تولید مجموعه‌های شیلاتی و کشاورزی سطح جزیره قشم باید با نظر مثبت و تایید مدیریت شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم صورت پذیرد.

وی تصریح کرد: در گذشته، عدم هماهنگی برخی ادارات کل استان هرمزگان و شهرستان قشم با مدیریت شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم موجب ایجاد برخی مشکلات در صدور و تمدید تمامی مجوزات برای واحدهای تولیدی در حوزه‌های کشاورزی، شیلات و دامپروری شده است، که با اعمال حاکمیت منطقه آزاد قشم در عرصه‌های جزیره قشم، دیگر شاهد بروز این مسائل نخواهیم بود.

مدیر شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم افزود: طی روزهای گذشته، با صدور ۲۹فقره سند مالکیت دولت با نمایندگی سازمان منطقه آزاد قشم؛ این سازمان به عنوان بهره‌بردار معرفی شده است؛ اقدامی که می‌تواند موجب رفع مسئله دوگانگی حاکمیت شده و مانع سرگردانی سرمایه‌گذاران و مردم در جزیره قشم گردد.

به گفته نوری‌بالانجی؛ اهمیت تثبیت مالکیت صورت گرفته و اعمال حکمرانی یکپارچه توسط سازمان منطقه آزاد قشم آنجاست که مسیر رشد، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری با رفع دوگانگی‌های مدیریتی، شاهد رونق فضای اقتصادی در جزیره قشم خواهیم بود.

مدیر شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد: در راستای اعمال حکمرانی یکپارچه در عرصه‌های شیلاتی و کشاورزی جزیره قشم و همچنین رفع دوگانگی مدیریتی و جلوگیری از سردرگمی سرمایه‌گذاران؛ تمامی سرمایه‌گذاران و فعالان حوزه کشاورزی و شیلات در پهنه‌های منطقه آزاد و منطقه ویژه اقتصادی قشم باید برای صدور، تمدید و واگذاری اراضی در این حوزه و اخذ استعلام‌ها، مجوزات لازم را از مدیریت شیلات و کشاورزی سازمان منطقه آزاد قشم دریافت نمایند.

اخبار منطقه آزاد قشم

طی حکمی از مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم صورت پذیرفت:

انتصاب مدیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی سازمان منطقه آزاد قشم

طی حکمی از سوی دکتر عادل پیغامی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، «علی‌اصغر موحد» به عنوان «سرپرست مدیریت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» این سازمان منصوب شد.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در آیین معارفه سرپرست مدیریت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: دکتر موحد شخصیت توانمند، متعهد و متخصص در سطح ملی به‌حساب می‌آیند و نگاهی ارزشی، جهادی و حرفه‌ای به حیطه کاری دارند.

عادل پیغامی اظهار داشت: اهمیت و حوزه کاری گسترده مدیریت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ تهیه بانک اطلاعاتی از تعداد افراد بیکار و شاغل در جزیره و همچنین مهارت‌ها و توانمندی‌های این افراد را ضروری می‌سازد.

وی تاکید کرد: استفاده از نرم افزارها و سامانه های الکترونیک و بهره گیری از توان افراد متخصص برای افزایش بهره وری و سرعت عمل در انجام فرآیندهای اداری جزو رویکردهایی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در پایان تصریح کرد: اصلاح زیرساخت‌ها، جایگاه منابع انسانی و بازتعریف شرایط و ضوابط شغلی با هدف ارتقای جایگاه این مدیریت، از دیگر مواردی است که باید در دوره جدید مدنظر قرار گیرد.

در بخشی دیگری از این آیین، علی‌اصغر موحد اظهار کرد: نگاه به حوزه مدیریت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید عوض شود و برای حوزه‌ای مانند «رفاه» که تاکنون مغفول مانده، برنامه‌ریزی‌های لازم انجام پذیرد.

وی ادامه داد: با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، جایگاه این اداره را تغییر خواهیم داد و امیدواریم طی برنامه ۳ماه، نتایج اولیه تغییر و تحول برای قشموندان محسوس باشد.

سرپرست مدیریت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سازمان منطقه آزاد قشم در پایان تاکید کرد: تهیه و تجهیز زیرساخت‌ها، فراهم ساختن بسترهای الکترونیک و افزایش تعامل با نهادهای اجرایی و انتظامی شهرستان، جزو اولویت‌های کاری برای ایجاد تحول در دوره جدید محسوب می‌شود.

معاون فنی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد قشم خبر داد:

آغاز عملیات آسفالت محور گیاهدان-رمکان جزیره قشم

معاون فنی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد قشم از آغاز عملیات قیرپاشی و آسفالت محور گیاهدان-رمکان، به ارزش بیش از ۱۳۰۰میلیارد ریال خبر داد.

سیدمحمد قدسی با اعلام این خبر افزود: پروژه مذکور که بعد از مدت‌ها وقفه در سال گذشته، آغاز به‌کار مجدد کرد؛ هم‌اکنون در مرحله قیرپاشی و اجرای آسفالت قرار دارد.

وی با اشاره به اقدامات انجام شده در این پروژه اظهار کرد: اجرای عملیات خاکی، ۱۲پل آبرو و روکش آسفالت، از مواردی است که در این پروژه به انجام رسیده است.

به گفته قدسی؛ این محور به طول ۴۷۰۰ و عرض ۱۱،۳۰متر و با سه دوربرگردان، به بیش از ۵۴هزار مترمربع آسفالت نیاز دارد.

معاون فنی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد: این محور به عنوان بخشی از محور کلیدی فرودگاه به شهر قشم؛ یکی از پرترددترین جاده‌های جزیره است و تسریع برای به اتمام رساندن آن، در برنامه‌های اولویت‌دار این معاونت قرار داشته و با حمایت‌های مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، به‌زودی به بهره‌برداری خواهد رسید.

معاون توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد قشم اعلام کرد:

برگزاری دوره فرهنگ سازمانی و ارتباطات موثر ویژه معاونان و مدیران

معاون توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد قشم از برگزاری «دوره آموزشی فرهنگ سازمانی و ارتباطات موثر در سازمان» ویژه معاونان و مدیران سازمان منطقه آزاد قشم خبر داد.

کوروش آموزگار با بیان این مطلب اظهار داشت: دکتر مرتضی سلیمانی مدرس این دوره یک‌روزه بود که در مرکز بین‌المللی رشد قشم برگزار شد.

وی ادامه داد: هدف از برگزاری این دوره آموزشی، تشخیص جنبه‌های مختلف فرهنگ سازمانی و ارزش‌های آن به همراه تاثیرات آن بر عملکرد سازمانی و موفقیت سازمان منطقه آزاد قشم می‌باشد.

آموزگار اذعان نمود: ارتباطات و اثربخشی ارتباطات تعریف شده و اهمیت آن در موفقیت‌های فردی و سازمانی، مدل ارتباطی، موانع ارتباطات موثر و... نیز سرفصل‌های دیگری بودند که در این دوره آموزشی تشریح شدند.

معاون توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد: برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی در سازمان منطقه آزاد قشم با هدف توانمندسازی و افزایش ظرفیت‌های مدیریتی، این سازمان را برای انجام بهینه ماموریت‌ها و نیل به اهداف پیش‌بینی شده کمک می‌کند.